

قضاوت نهائی با تاریخ خواهد بود!

این برای اولین بار نیست، و برای آخرین بار هم نخواهد بود، که تودهای را به مسلخ می برند!

این برای اولین بار نیست، و برای آخرین بار هم نخواهد بود، که تودهای را قربانی می کنند، تا منافع زحمتکشان میهن ما را در پیش پای غارتگران داخلی و حامیان خارجی آن ها، فدا کنند!

این اولین بار نیست، و برای آخرین بار هم نخواهد بود، که بمنظور پوشاندن چهره زشت خفقان حاکم، به صورت تودهای ها جنگ بزنند و به قصد پرده پوشی ناپسامانی ها، به چشم مدافعان طبقات زحمتکش شهر و ده میهن ما میل بکشند! و به این منظور از تهمت های امپریالیسم و ساواک ساخته "جاسوسی" و امثالهم، استفاده کنند.

در تمام طول حیات افتخار آفرین ۴۲ ساله حزب توده ایران، حزب طراز نویسن طبقه کارگر ایران، این واقعیت دیده می شود، که دشمنان و مخالفان آن، همواره برای پرده پوشی بحران رژیم خود و با اصطلاح "خروج" از بن بست تاریخی دچار شده، به جو توده ستیزی دامن زدند و به سرکوب و کشتار تودهای ها - این میهن دوستان واقعی و پیگیر دست زد ماند - چنین شیوه دد مناشانه را ارتجاع تمام کشورها علیه کمونیست ها بکار بردند و می برند.

رژیم سرنگون شده شاه، پارها به این جنایت دست زد.

رژیم برافکننده شاه هزاران نفر از بهترین فرزندان خلقهای آذربایجان و کردستان را به خاک و خون کشید، تا حاکمیت جا برانه خود و تسلط شوم امپریالیستی را بر میهن ما استوار سازد. شاه معدوم حزب ما را "غیر-حکومتی" اعلام کرد.

بقیه در صفحه ۶

راه توده

شهره اولان حزب توده ایران در تلخ از کشور

جمعه ۴ شهریور ۱۳۱۲ مطابق ۱۲ ذیحده ۱۴۰۳ و ۱۶ اوت ۱۹۸۳
سال دوم شمسی - شماره ۵۶
پهنا: ۴۰ - عرض: ۱۰

بیست و هشتمین سالگرد شهادت ۶ افسر توده ای خاطره تابناک شهیدان راه استقلال، آزادی و ترقی ایران جاودان باد!

دیباچه خون ه. ا. سایه در صفحه ۳

چگونه مصالح ملی فدای جلب حمایت امپریالیسم شد

در صفحه ۳

گاز را که در شرایط مشخص آن روزها بحلل فراوان، و از آنجمله محاصره اقتصادی ایران از جانب آمریکا و همدستانش در پیمان تجاوزکار "ناتو" و نیز کاهش صادرات نفت و از همه مهمتر، عدم امکان فروش گاز به دیگر کشورها و یا مصرف آن در داخل، کاملاً بضر ایران بود، یک

بقیه در صفحه ۴

مدتی است، روزنامه "اطلاعات" سلسله مقالاتی زیر عنوان "دستاوردهای انقلاب" منتشر می سازد. در یکی از این مقالات ماجرای قطع فروش گاز به اتحاد شوروی در زمان دولت موقت "بنابه" یکی از این دستاوردها ارزیابی می شود. نگارنده مقاله بعنوان وکیل مدافع "دولت موقت" عرض اندام می کند: وی قطع صدور

خلق رانمی توان با صدای طبل تو خالی به گمراهی کشاند!

"مبارزه" دن کیشوت وار یا "انجمن حجتیه" - که تبلور قشر بندگی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است - در مطبوعات مجاز ایران، در نطق ها و مصاحبه های مستو لان دولتی و غیر دولتی جمهوری اسلامی ایران سخت بالا گرفته است.

تبلیغات رسمی جمهوری اسلامی ایران، از آن صحبت می کند، که پس از مبارزه با چپ، اکنون نوبت "راست" رسیده است. و با استفاده از این تبلیغات می خواهد به مردم القا کند، که گویا "خط" سالم و در "خدمت و کمکت" به مستضعفان "بر اصمالم حاکمیت جمهوری اسلامی ایران حاکم است. آنها می خواهند به این وسیله خود را به عنوان یک نیروی مافوق طبقاتی، که گویا مصالح کل جامعه را در نظر دارد عنوان کنند و مطرح سازند.

همدانی و همسویی این تبلیغات در ایران و خارج از ایران توجه ناظران بین المللی را نیز بخود جلب کرده است.

رسانه های گروهی فریبی نیز همزمان با این "مبارزه" در چند هفته قبل نوشتند "که پس از سرکوب حزب توده (ایران)" مقامات رهبری جمهوری اسلامی به "انجمن حجتیه اعلام جنگ" داده است و قصد "شکستن پای" آنها را دارد.

اما چه کسی است، که نبیند و نداند، که کوبیدن بر طبل تو خالی "مبارزه یا انجمن حجتیه" تا چه حدی محتوا است! این سرو و بقیه در صفحه ۱۴

شرکت روزافزون محافل مترقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده ای!

اقتصادی، ترور سیاسی را می طلبد. مدافعان حقوق زحمتکشان را نه تنها به غل و زنجیر می کشند، بلکه "محاکمه و مجازات قریب الوقوع" آنان را وعده می دهند. در این رابطه است که وظیفه ما و آزاد یخواهان جهان، روز بروز سنگین تر میشود. باید موج همبستگی با زندانیان توده ای را باز هم گسترش بخشیم و با آزاد ساختن یاران وفادار خلق و پیشبرد انقلاب، بخواست توده های میلیونی پاسخ دهیم.

● روزنامه های قبرس، بدرج آخرین اخبار در مورد دستگیری اعضای حزب توده ایران - ایسبران و گسترش همبستگی با زندانیان توده ای - ی پر داخته اند.

بقیه در صفحه ۵

سکوت مطلق که درباره سرنوشت توده ای های دربند حکم فرماست، هر از گاهی با غریبو پرطنین شهیدی دیگر از اصاق سیاه چالها، در هم می شکند: نه، این قافله را سرباز ایستادن نیست!

پیکر به غل و زنجیر کشیده، یک توده ای دیگر، در هم شکسته شد: رفیق ریاحی به قافلنسه شهیدان حزب پیوست.

در جایی که به زحمتکشان توصیه می شود: "باز هم صرفه جوئی کنید" و بالعکس، دست محترمان و گرانیغوشان عده در غارت بی بند و بار مایحتاج روزمره مردم، باز گذارده میشود، طبیعا صدای حق طلبی باید خاموش گردد. ترور

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

بیانیه سندیکاهای کارگران خیاط، بافنده سوزنی و کفاش خطاب به کارگران صنوف

دوستان کارگر!

هر روز که میگرد خطرات و دشواریهای بیشتری زندگی ما کارگران را تهدید میکند. رزق و رتبه در کار تولید بویژه در کارگاههای صنوف و سیل بیگاری و اخراج، امکان فراهم کردن حداقل وسایل معیشت را از ما کارگران سلب میسازد. سطح دستمزدهای ما طبق تصمیمات وزارت کار ثابت مانده در حالیکه قیمت کالاها و مواد مصرفی مورد نیاز روز بروز بالا رفته و همچنان روبه افزایش است همزمان با این نارسائیهها مشکل مسکن نیز قوز بالا قوز شده و آوارگی و دریدری را به ما تحمیل میکند. با این فشار روز افزون که به ما و خانواده های ما وارد میشود به دلیل عدم برخورداری از بهداشت و بیمه و درمان، بیماری و فقر، زندگی و حیات عزیزان و چکرگوشگان ما را بخطر انداخته است. حق آزادی تشکیل "انجمنهای صنفی" که اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنرا تعیین کرده است از مذتها قبل توسط مسئولان اجرایی بویژه وزارت کار از ما سلب شده است.

با اشغال محل فعالیت قانونی ما و عدم رسیدگی به شکایات متعددی که به مقامات مملکت تسلیم داشته ایم امکان گرد همایی را که بیشتر به دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن اختصاص داشت از ما گرفتند با همه تلاشی که در این چند سال بعد از انقلاب بعمل آوردیم هیچ مقام و مرجعی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران پیدا نشد که به درد دل ما مصیبت دیدگان که همه چیز خود را نثار انقلاب ساختیم رسیدگی کند.

از آنطرف میوه چنان انقلاب که بسیاری از آنان سوای مشکوکی داشته و به دشمنی کهن - تروانه با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میپرداختند در بیجا مشاغل و پستهای مهم مملکت را در اختیار گرفته و با توطئه های گوناگون از جمله آزاد کردن دست سرمایه داران بزرگ برای تشکیل "اتحادیه ها و تعاونی ها و سایر تشکلهای تروریسم اقتصادی و در نتیجه احتکار و گرانی را عالم و عاهد بر جامعه انقلابی ما تحمیل کردند و درست از همینجا ضربه را به همه دستاوردهای انقلاب از جمله

قانون اساسی آن وارد ساخته و میسازند. بنا دلایل ذکر شده و بسیاری از رویدادهای دیگر که در این بیانیه نیامده فقر و محرومیت تسوده های میلیونی زحمتکشان از یکسو و انباشت ثروت بیگران فارتگران و استثمارگران از سوی دیگر عده مسائلی است که حفظ دستاوردهای انقلاب راه که ما زحمتکشان خوشهای فراوانی برای آن ریخته ایم، به خطر انداخته است.

دوستان کارگر! کلیه این رویدادها توسط کسانی علیه مردم مستضعف ما صورت میگیرد که ما موریت دارند راه را برای بازگشت امپریالیسم بویژه شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار به ایران هموار سازند و در واقع ما را آنچنان بیه "مرگ گفتمانند که به تب راضی شویم" در همین رابطه است که سرمایه داران و مالکان بزرگ فراری به میهن مراجعت میکنند و سرمایه ها و زمینها و اموال مصادره شده به آنان تحویل میشود و اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مظلومانه به زنجیر فراموشی کشیده میشود، همانگونه که اصل ۴۴ قانون اساسی را قبلا بیه بند کشیدند و قدرت "بخش خصوصی" را بر بخشهای دولتی و تعاونی غالب کردند.

ما کارگران هشدار میدهم که دیگر شعار و وعده کافی است مردم دیگری به این وعده ها اعتماد ندارند چون عملا به حقیقت دست یافته اند. مگر اعلام نشده که قوانین طاغوتی اعتبار ندارد؟ بعد از لغو این قوانین ظاهرا تصور این بود که قوانین طاغوتی بسود مستضعفان تخیر خواهد یافت. ولی ما عملا دیدیم که ماده ۳۳ قانون کیار طاغوتی دو قسمت شد. یک بخش آن که مربوط به اخراج کارگران با تصمیم یک جانبه کارفرمایان بود اعتبار خود را حفظ کرد و بخش دیگر آن که مربوط به پرداخت خسارت اخراج به کارگران بود لغو شد و هیئت های حل اختلاف برچیده شد و پس از مبارزات طولانی کارگران هیئت های تازه ای که دستپخت تهیه کنندگان پیش نویس قانون کار، که از قانون کار زمان طاغوت هم بدتر است، بود، شکل گرفت.

حق برخورداری از تشکیل سندیکاهای اتحادیه ها که در قانون کار طاغوتی از طرف کارگران تحمیل شده بود (همچنین در قانون اساسی ایران نیز تحقق یافته است) نیز بیه

دو بخش شده برای سرمایه داران و کارفرمایان آزاد و برای کارگران منوع اعلام شد. تعیین حداقل دستمزدها که در قانون کار طاغوت ذکر شده است بطور کلی کنار گذاشته شد و در حال حاضر بیش از دو سال است که دستمزدها ثابت مانده است. سود و بهره هری از کار و طبقه بندی مشاغل و ایمنی و بهداشت محیط کار و دهها مورد دیگر که کارگران با مبارزات طولانی و نثار جان خود بدست آورده بودند همگی به بهانه لغو قوانین طاغوتی به فراموشی سپرده شد و دست کارفرمایان برای استثمار بیشتر کارگران و بیگاری غیرقانونی کودکان در کارگاهها و تبعیض و نابرابری حقوق زنان کارگر و دهها مورد دیگر باز گذاشته شد.

آری دوستان علاوه بر اینکه قوانین گذشته را همانطور که گفتیم تقسیم کردند تزییقات دیگری نیز برای کارگران فراهم نمودند. گذشت از متلاشی کردن تعدادی تعاونی کارگری پرداخت مبلغ ده هزار ریال برای هر عضو تعاونی مصرف کارگران به صندوق اتحادیه امکان از جمله این تزییقات است که در صورت عدم پرداخت این مبلغ اتحادیه امکان از تحول کالا به تعاونیها خودداری خواهد کرد (اگر چه با پرداخت این همین مبلغ نیز کالاها اساسی به تعاونیهای کارگران تحول نمی شود). ما اگر قرار باشد همه این مشکلات و نارسائیهها راه که بر سر ما کارگران آورده اند بیان کنیم، صفحات طولانی را پر خواهد کرد با ذکر همین مختصر به آن بخش از مسئولان جمهوری اسلامی ایران، که به انقلاب و حفظ دستاوردهای آن وفادار مانده اند و هنوز هم برای تحقق اهداف انقلاب بسود مستضعفان همانگونه که در مقدمه و اصول قانون اساسی آمده است تلاش میکنند، تأکید میکنیم که تلاشهای خود را صد چندان سازند و پیوند خود را با کارگران مستحکم کنند. توطئه های عوامل طرفدار سرمایه داران و زمینداران بزرگ را در حاکمیت برای مردم افشا سازند. همچنین به همه کارگران اصرار میسوزیم که عهد و پیمان وحدت طلبانه خود را بیش از پیش محکم سازند و برای مقابله با توطئه های براندازی و سلب بیشتر آزادیها و فشار و اختناق به دفاع و تقویت تشکلهای صنفی و تعاونیها در جریان کار و زندگی محرومان آماده شوند.

● برقرار باد اتحاد و یکپارچگی کارگران و زحمتکشان ایران!

● ننگ و نفرت بر امپریالیسم و نوکران و سرسپردگان رنگارنگ و مدافعان آنان!

چگونه مصالح ملی فدای جلب حمایت امپریالیسم شد

بقیه از صفحه ۱

اقدام انقلابی و پاسخگوی سیاست باصطلاح "نه شرقی، نه غربی" معرفی می‌کند.

آیا این نظر صحیح است؟ برای پاسخ مستدل باید به ارقام و اسناد مراجعه کرد. ولی نویسنده "اطلاعات"، مانند دیگر همکارانش، بی‌پشتوانه قلم می‌زند و سفسطه را جایگزین منطق و استدلال می‌کند. استدلال وی، چنین است: "اینکه علیرغم شعار برحق انقلاب، که همیشه امت فریادی می‌زند و فریاد می‌زند که: "نه شرقی، نه غربی" جمهوری اسلامی، "غریب‌پس و بی‌پس" خصوصاً آمریکا برای کم کردن جاذبه انقلاب در بین مسلمانان و مستضعفان تبلیغ می‌کند، که جمهوری اسلامی ایران بطرف شرق و شوروی گرایش دارد! یعنی از هویت اسلامی خالص برخوردار نیست." بهمین سبب، به نوشته نگارنده، "ایران در همان زمان، که در محاصره اقتصادی از جانب آمریکا و غرب بود، جریان گاز خود را به سوی شوروی بست سپس وی می‌افزاید:

اینجا (غریبها) و دهها نمونه دیگر مواضع قاطع ایران را، که همگی حکایت از سیاست نه شرقی، نه غربی می‌کردند، دیده می‌گیرند و باز هم تبلیغ می‌کنند، که ایران گرایش به شوروی دارد! مگر نمی‌باید که حزب توده آزاد است، درست است در اوج این جنجالها بوده، که ناگهان مردم دنیا دیدند، که تمامی خیرگزاریهای جهان مغایر به کردند که سران حزب توده، ایران باید اشتیاق شدند... ("اطلاعات"، ۲۹، تیرماه ۶۳).

خیانت به منافع ملی ایران

چنانکه ملاحظه می‌شود، نویسنده با طرح نظراتی، که ما به تفصیل نقل کردیم، دانسته و یا ندانسته ماهیت سیاست رژیم را فاش می‌سازد. وی صریحاً و بی‌پرده اعتراف می‌کند، که هدف از قطع فروش گاز به اتحاد شوروی نه دفاع از منافع ایران، بل اثبات آن بوده، که جمهوری اسلامی بسوی "شرق" و "شوروی" گرایش ندارد. سران جمهوری اسلامی در مقابل چه کسانی خود را تبرئه می‌کردند؟ او می‌نویسد، در مقابل "غربی‌ها و بخصوص آمریکا". به بیان دیگر، مصالح ملی ایران قربانی جلب حمایت امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، گردید. ولی به نوشته نگارنده مقاله امپریالیست‌ها به این "مختصر" قانع نبودند و این عمل سران رژیم را نادیده گرفتند و باز هم تبلیغ کردند که "ایران گرایش به شوروی دارد". در اینجا باید، که دولت گام ضد ملی دوم را برای ارضای امپریالیسم برداشت و هزاران نفر از اعضای جبهه سبز توده، ایران را بازداشت کرد. نگارنده مقاله در این مورد هم بی‌پرده سخن می‌گوید: او می‌نویسد، این بار غریبها و بخصوص آمریکا آزادی حزب توده، ایران را دلیل "گرایش بی‌پس" شوروی می‌دانستند و بهمین دلیل هم یورش وحشیانه به حزب توده، ایران آغاز شد. آیا هر دو اقدام سران جمهوری اسلامی دلیل

باز تبعیت دانسته یا ندانسته از امپال فارتگرانه امپریالیسم نیست؟

از آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت، سیاست "نه شرقی، نه غربی"، آنکه که تا کنون اجرا شده است، بطور عمده چیزی جز خود شیرینی برای "غرب" و مغالزه با امپریالیسم نبود، است.

تاریخچه صدور گاز

باید خاطر نشان ساخت، که تنها نویسنده مقاله فوق‌الذکر موضوع گاز را مطرح نمی‌کند. در این واکرنتی چند از دولتمردان و نمایندگان مجلس نیز در این باره سخن گفته‌اند. آنان، برای پرده پوشی هدف اساسی، مسئله "نازل بودن" قیمت گاز صادراتی را نیز مطرح می‌سازند. برای بررسی این موضوع ما سعی می‌کنیم، همسرا خوانندگان تاریخچه تولید گاز و مسئله صدور آنرا ورق بزنیم.

ایران یکی از کشورهای نادر دارنده منابع عظیم نفت و بیژنه گاز است. برای پی بردن به اهمیت این دو ماده انرژی را کافست، خاطر نشان سازیم، که زندگی بشر در دوران ما بدون نفت و گاز قابل تصور نیست. نفت و گاز چنان در شئون زندگی معاصر رسوخ کرده است، که فقدان آنها، سبب طغی شدن جهانی را قریباً به عقب برمی‌گرداند. هر آستانی در هر کشوری از جهان، بدون اینکه خود واقف باشد، با نفت و گاز سروکار دارد. نفت و گاز، یعنی مواد اولیه صنایع و از آنجمله صنایع پتروشیمی، نفت و گاز نیروی محرکه وسایط نقلیه و قدرت محرکه نیروگاههای حرارتی اند. در این نوشتار ما فقط مسائل مربوط به گاز را مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

طبق آخرین آمار که از مطبوعات خارجی استخراج کردیم، ذخائر کشف شده گاز ایران در اواخر سال ۱۹۸۲ بالغ بر ۱۳/۷ تریلیون متر مکعب بود. سهم ایران در کل ذخائر کشف شده گاز جهان، سرمایه‌داری به ۳۰ درصد می‌رسد. از این لحاظ ایران پس از اتحاد شوروی مقام دوم را در جهان دارد. بدیهی است، که در اینجا بطور عمده از گاز طبیعی سخن می‌رود و تولید آن در ایران اینک است.

و اما گاز مورد بحث، نویسنده مقاله در "اطلاعات" گاز همراه نفت است، یعنی گازی، که بهنگام استخراج نفت خام همراه آن از چاه نفت فوران می‌کند. تولید گاز همراه نفت در ایران تاریخ ۷۰ ساله دارد. ۷۰ سال نفت از چاههای نفت فوران میکند و ۷۰ سال است، که بخش عمده آن در سرچاههای نفت سوزانده شده است و از بین می‌رود.

اهمیت نفت و گاز ایران

همه می‌دانند، که در دوران فرمانروایی رژیم

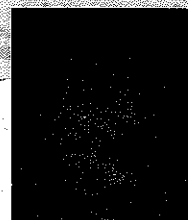
مخلوع مهمترین وسیله فارتگری و سیطره امپریالیسم در کشور ما تسلط بر صنایع نفت، بزرگترین رشته صنعتی و شریان حیاتی ایران، بود. اگر پیش از ملی شدن صنایع نفت فقط یک کمپانی خارجی بریتانیایی به بهره‌کشی از منابع نفتی ایران مشغول بود، بعد از کودتای ۲۸ مرداد شماره انحصارهای خارجی تسلط بر منطقه قرارداد شرکت سابق نفت ایران و انگلیس به ۳ رسید. یعنی فارت و استعمار جمعی چند کشوری جانشین استعمار یک کشوری شد. ولی رژیم مخلوع به اینهم اکتفا نکرد. در سالهای پس از کودتا واگذاری امتیاز به گروههای جدید انحصاری مرکب از ۳۰ کمپانی خصوصی دولتی کشورهای سرمایه‌داری غرب، ادامه یافت. این گروهها مجموعاً مساحت به مناطقی بیش از ۱/۶ میلیون کیلومتر مربع را در اختیار گرفتند و بدینسان، تعداد کمپانیهای نفتی متعلق به ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه، هلند، آلمان غربی، ژاپن، ایتالیا، اسپانیا، بلژیک و اتریش در ایران به ۵۰ رسید. این هجوم سرمایه‌داری انحصاری خارجی به مهمترین رشته صنعتی کشور وابستگی ایران را به جهان سرمایه‌داری و به انحصارهای نفتخوار بیش از پیش شدت بخشید. با گسترش نفوذ انحصارهای خارجی تسلط نفت خام، آلا گاز همراه، آن نیز رو به فزونی گذارد. در سال ۱۹۷۵ سهم تولید نفت خام ایران در کل تولید جهانی ۹/۹ درصد، در کل تولید خارمیانه و نزدیک ۲۷/۶ درصد و در کل تولید کشورهای عضو "اوپک" ۱۹/۸ درصد بود. در تقسیم کار بین المللی سرمایه‌داری تأمین سوخت از زمان قیمت (در سال ۱۹۷۵ قیمت اعلان شده هر بشکه نفت خام ۲/۶ دلار بفروش می‌رسید و همین قیمت نفت افزایش نیافته بود، که برای رشد صنایع کشورهای امپریالیستی بعهدہ ایران و کشورهای نظیر آن گذارده شد.

در همان سال تولید نفت خام به ۲۶۲/۹ میلیون تن و تولید گاز به ۴۴/۵ میلیارد متر مکعب بالغ گردید. بخش عظیم نفت مانند گذشته بشکل خام به کشورهای امپریالیستی صادر می‌شد. چرا؟ زیرا انحصارهای نفتخوار حاکم بر منابع نفت ایران از احداث صنایع مشتق از نفت در ایران جلوگیری می‌کردند. آنها حتی حاضر نشدند در ایجاد پالایشگاههای نفت در ایران سرمایه‌گذاری کنند. در سال ۱۹۷۵ از ۲۶۲/۹ میلیون تن نفت خام تولید شده ۲۳۰ میلیون تن آن صادر و فقط حدود ۳۴ میلیون تن آن تحویل پالایشگاههای موجود در ایران گردید. در حالیکه به حساب نفت خام ایران و کشورهای منطقه انواع صنایع مدرن پتروشیمی در کشورهای غربی و ژاپن برای تولید فرآوردهای نفتی ایجاد می‌گردید، کشور ما می‌بایست نه تنها فرآوردههای گوناگون تولید شده از نفت، بلکه در مواردی روغن موتور و برخی انواع بنزین، را به قیمت گران از انحصارهای

بقیه در صفحه ۱۰



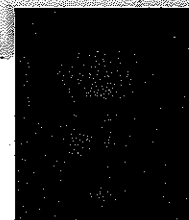
ستوان سوم هوایی
اسدالله نصیری



ستوان یکم هوایی
حسین مرزوان



ستوان یکم هوایی
منوچهر مختاری گلپایگانی



سرگرد پیاده
ارسطو سروشیان



سرگرد هوایی
رحیم بهزاد



سروان مهندس
اسمعیل محققزاده

بیست و هشتمین سالگرد شهادت ۶ افسر توده‌ای خاطره تابناک شهیدان راه استقلال، آزادی و ترقی ایران جاودان باد!

۲۸ سال پیش، سحرگاه ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ پیکر شش قهرمان راه آزادی، استقلال و رفاه مردم زحمتکش ایران: سروان مهندس اسمعیل محقق زاده، سرگرد هوایی رحیم بهزاد، سرگرد پیاده ارسطو سروشیان، ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری گلپایگانی، ستوان یکم هوایی حسین مرزوان و ستوان سوم هوایی اسدالله نصیری، بدست عمال جنایتکار رژیم ننگین آریامهری به خاک افتاد. امروز، که ۲۸ سال از آن جنایت فجیع رژیم دست پرورده امپریالیسم می‌گذرد، شاه جنایت‌پیشه و بسطیاری از سران رژیم تبهکارش با ننگ ابدی زیر خاکتند.

حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، که از تاریخ عبرت نگرفته است، با پشت پا زدن به خون ده‌ها هزار شهید انقلاب، درصدد تکرار جنایات شاه در ابعاد بزرگتر در مورد توده‌ایها، این فرزندان راستین خلق زحمتکش ایران، است. غافل از اینکه با شکنجه و تیرباران مہین پرستان توده‌ای، قادر به خاموش کردن صدای حق طلبانه حزب ما نبوده و جز ننگ ابدی نصیبی نخواهند برد. سخنان رفیق شهید منوچهر مختاری، قبل از شهادت، زبان حال همه توده‌ایهاست. وی در نامه‌ای به حزب خود نوشت:

"از تیرباران نمی‌ترسم. با این که به زندگی و زیبایی آن بسیار علاقمندم، اما این علاقه آنچنان لکه ابر تاریکی را تشکیل نمیدهد که آفتاب درخشان حقیقت را نپینم. اکنون که در پای میدان اعدام قرار دارم تنها و تنها به مردم می‌اندیشم. با دلی شاد و پر-امید گلوله را در دل خود جای خواهم داد و تا آخرین لحظه که گلوله‌ها قلبم را خواهد شکافت، افتخار پیوستگی‌ام را به خلق چسبونم. سنگین بر مغز دشمنان می‌کوبم. با مرگ من، فقط وظایف من است که پایان می‌پذیرد."

دییاجه خون

نه، هراسی نیست.
من هزاران بار
تیرباران شده‌ام!
و هزاران بار
دل زیبای مرا از دار آویخته‌اند!
و هزاران بار
با شهیدان تمام تاریخ
خون جوشان مرا
بهمزمین ریخته‌اند!

باز چون پرچم فتح
قامت افراشته‌ام.

آه، ای آزادی!
دیرگاهی است که از اندوختن تا شیلی
خاک این دشت جگر سوخته با خون تو می‌آمیزد!
دیرگاهی است که از پیکر مجروح فلسطین شب و روز
خون من می‌ریزد!
و هنوز از لبنان
دود یرمی خیزد.

سرگذشت دل من
زندگینامه انسان است
که لبش دوخته‌اند
زندگاش سوخته‌اند
و به‌دانش زده‌اند...

سال‌ها پیش، مرا با کیوان کشتند.
شاه هرروز مرا می‌کشت!

و هنوز
دست شاهانه دراز است بی کشتن من!
هم از آن دست پلید است که در خوزستان
در هویزه بستان سوسنگرد
این چنین در خون آغشته شدم!
و همین دیروز
پشت دروازه خرمشهر
با مسلمان جوانی،
که خط‌پشت لبش

آه، ای بابک خرم‌دین
تو لومومبا را می‌دید!
و لومومبا می‌دید
مرگ خونین مرا در بلیوی!
راز سرسبزی حلاج این است
ریشه در خون شستن
باز از خون رستن!

در ویت‌نام، هزاران بار
زیر تیغ جلاذ
زخم برداشته‌ام.
و اندر آن آتش و خون

نازه سبزی می‌زد،
کشته شدم!

نه، هراسی نیست.
خون ما راه دراز بشریت را گلگون کردست.
دست تاریخ ظفرنامه انسان را
زیب دییاجه خون کردست!

آری از مرگ هراسی نیست.
مرگ در میدان این آرزوی هر مرد است.
من دلم از دشمن کام‌شدن می‌سوزد!
مرگ با دشمن دوست؟
دوستان! این درد است.

نه، هراسی نیست.
پیش ما ساده‌ترین مسئله‌ای مرگ است.
مرگ! سهل‌تر از کندن یک برگ است.

من به‌این باغ می‌اندیشم
که یکی پشت‌درش با تبری نیز کمین کردست!

دوستان گوش کنید!
مرگ من مرگ شماست.
مگذارید شما را بکشند
مگذارید که من بار دگر
در شما کشته شوم.

ه. ا. سایه

تهران - خرداد ۱۳۶۱

شرکت روزافزون محافل مترقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده‌ای!

دارند. ولی دیکرتهای جهان و نیز مردم آزاد به ایران پخویی میدانند که غیرقانونی اعلام نمودن فعالیت حزب توده، ایران و شکنجه و کشتار رهبران و اعضای این حزب، عملاً نقض مواد قانون اساسی ایران در رابطه با آزادیهای بقیه در صفحه ۱۵.

ارتجاع و امپریالیسم رزمیده و در پاسداری از انقلاب ایران فداکاریها نمود مانده، اعتراض می-کنیم و مقامات مسئول ایران، این امر را "دخالته ناپخشودنی در امر داخلی کشور" قلمداد می-کنند و عملاً با بازپس فرستادن نامه اعتراضی ما، قصد جلوگیری از ابلاغ نظرات ما به مردم ایران را

بقیه از صفحه ۱
روزنامه "فروسی"، در روزهای دوم و هفتم اوت (یازدهم و شانزدهم تیرماه)، ضمن اشاره به خبر دستگیری ۵۰ نفر دیگر از اعضای حزب توده، ایران و نقل قول از فرمانده "سیاه پاسداران" در این مورد، مبتنی بر اینکه تا کنون ۸۰۰۰ تن از اعضای حزب بازداشت شده اند، اقدام به چاپ پوستری از هواداران حزب توده، ایران در مورد زندانیان توده‌ای و طرح خواست دیکرتهای قبرس در مورد اعزام هیأتی بین المللی، مرکب از پزشکان و حقوقدانان به ایران، جهت بازدید از مبارزین در بند و عیان ساختن حقایقی که در سیاهچالهای جمهوری اسلامی میگردد، برای افکار عمومی در جهان نمود ماند.

با آزادی مبارزین توده‌ای، از روند نابودی انقلاب جلوگیری کنید!

اتحادیه کارکنان بانکهای ایالت مادی پراش در هندوستان در تاریخ نوزدهم آوریل (۳۰ فروردین) نامه‌ای اعتراضی نسبت به دستگیری رهبران و اعضای حزب توده، ایران، به سفارت جمهوری اسلامی در دهلیج نو ارسال کرده بود. این نامه همراه با جوابی از طرف سفارت بازگردانده شد. طبیعتاً است که پاسخ سفارت به اعتراض این اتحادیه، کماقی السابق، اظهار ناراحتی از "مداخله ناپخشودنی در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران" توسط آن اتحادیه بود.

اتحادیه کارکنان بانک، مجدداً نامه‌ای در رابطه با مسأله شکنجه رهبران و اعضای حزب توده، ایران و اعمال تزییقات در مورد حزب تهیه کرد و در تاریخ بیست و یکم ژوئیه (سیام تیرماه) بآدرس سفارتخانه در دهلیج نو ارسال نمود. در زیر، توجه خوانندگان را به بخشهایی از این نامه جلب می‌کنیم:

"مردم دنیا وظیفه خود میدانند که به نقض حقوق بشر در هر گوشه‌ای از جهان، اعتراض نمایند. بعنوان مثال، اعتراض به سیاست تبعیض نژادی دولت آفریقای جنوبی، انتقاد به دولت آمریکا، بخاطر آزار سیاهپوستان و سرخ پوستان، محکوم کردن نقض آزادیهای دیکرتهای در پاکستان و ... از طرف افکار عمومی بین المللی و فشار باین دولتها، جهت رعایت حقوق بشر، طبق موازین بین المللی مجاز بوده و بمشابه مداخله در امور داخلی این کشورها تلقی نمیگردد."

بخاطر پشتیبانی از مردم ایران و مبارزات خلق قهرمان این کشور علیه دیکتاتوری شاه و امپریالیسم جهانی، به اعمال روشهای وحشیانه در مورد توده‌ایها که همواره در صف اول علیه

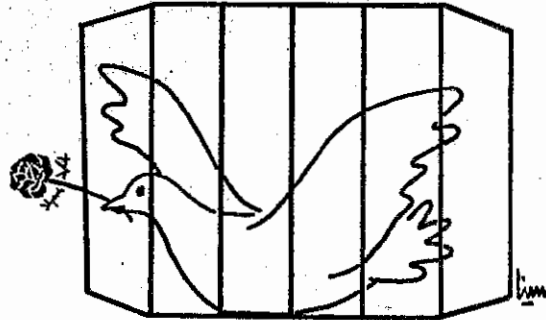
مهلکترین توطئه آمریکا برای به زانو درآوردن انقلاب

از تحلیل سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر ۱۳۶۲)

است، در راه خفتی کردن نتایج این توطئه آمریکا که همه هستی انقلاب ما را زیر ضربت خود دارد پیشنهاد کرده اند. هیئتیی از ناظران بیطرف حقوقی و پزشکان و کارشناسان بیطرف ترقیخواه و مدافع انقلاب ایران تشکیل و به ایران اعزام گردید تا شیوه‌های بازجویی و کسب اقرار از رهبران حزب را بررسی کرده و افکار مردم ایران و جهان را از حقایق مربوط به آن آگاه سازد. سکوت مخالفت آئین مقامات مسئول در این باره، این واقعیت را که هیچگونه دلیل مستقل و سند و مدرک مستندی برای اثبات اتهام رهبران حزب دایر بر جاسوسی برای شوروی وجود ندارد در سطح اذهان وسیعتری به اثبات می‌رساند.

به نظر ما، برداشتن گامهای عملی برای محدود کردن و بی‌اثر کردن نتایج شوم اجرای این توطئه در مسئولیت و تعهد انقلابی همه نیروهای مدافع انقلاب در داخل کشور است. امروز شرافت انقلابی و اصالت اخلاقی و انسانی مدافعان خط انقلاب در حاکمیت در گرو برداشتن گامهای عملی در این زمینه است. ما از این نیروها می‌طلبیم که در راه انجام مسئولیت و تعهد خود به انقلاب و مردم شجاعانه گام بردارند. ما از نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت می‌طلبیم که در راه پایان بخشیدن به جو آکنده از ترس و ارعاب، ناآرامی و تشنج و بی‌ثباتی سیاسی که خود از اهداف طراحان و اجرا کنندگان اصلی این توطئه بوده است قاطعانه اقدام نمایند و نگذارند "حقوق ملت" و آزادیهای سیاسی صرحه در قانون اساسی بیش از این پایمال و در تحلیقی باقی بماند.

بیش از ۵ ماه از بازداشت دبیر اول و دیگر رهبران حزب توده، ایران می‌گذرد. متعاقب بازداشت آنها و در هیاهوی کارزار تبلیغاتی برداشته‌ای که با نمایش سرپال تلویزیونی "شکنجه و شلاق" سازمان یافت، حزب توده، ایران بگونه‌ای که آشکارا خلاف قانون اساسی است غیرقانونی اعلام گردید و کلیه اعضا و هواداران آن تحت شدیدترین پیگرد های پلیسی به مراکز سپاه پاسداران فراخوانده شدند. هزاران تن از اعضا و هواداران حزب توده، ایران، حزبی که پیگیرانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و دوستان و جاسوسان آن دفاع کرده و صدها شهید در راه پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن به پیشگاه خلق تقدیم داشته است در زندانهای جمهوری اسلامی ایران پسر می‌برند. بازداشت رهبران، اعضا و هواداران حزب، شکنجه و سرکوب وحشیانه آنها، اعلام انحلال غیرقانونی حزب توده، ایران به اتهام جاسوسی برای شوروی یکی از مهلکترین توطئه‌های آمریکایی برای به زانو درآوردن انقلاب میهنمان بوده است که با طراحی و تشویق سازمان سیا و انتلیجنت سرویس تدارک و با میدان داری جاسوسان سیا و انتلیجنت سرویس که در سرپای ارگانهای جمهوری اسلامی رخنه کرده اند به مرحله اجرا درآمده است. هدف اصلی این توطئه شوم و خونبار تخریب روند نزدیکی مسلمانان انقلابی با پیروان اصل سوسیالیسم علمی در ایران و جهان بوده است. همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه جهان و بشریت ترقیخواه بگونه‌ای یکپارچه که در طول تاریخ کم سابقه



افغانستان می رزمندومی سازد

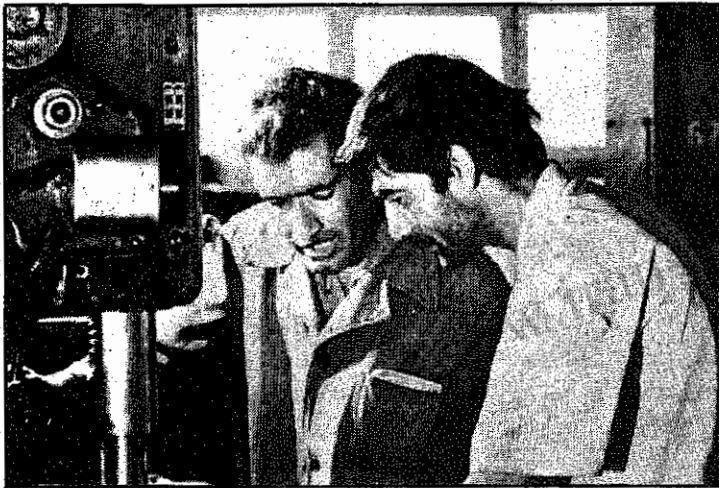
امپریالیسم و ارتجاع داخلی و خارجی علیه افغانستان انقلابی جنگ اعلام نشد مایرا آغاز کرد ماند .

امروز افغانستان انقلابی میزمد و میسازد . هر روز مؤسسه صنعتی تازه ای آغاز به کار می کند . مردم امر پیکار علیه ضد انقلابیون عمال امپریالیسم آمریکا را در شهرها و روستاها بیه دست خود می گیرند . صفوف حزب دموکراتیک خلقی افغانستان پیوسته گسترده تر میگردد .

مردم افغانستان ضمن دادن پاسخ دندان شکنی به دشمنان انقلاب و غلبه بر مشکلات پایه های زندگی نوین را برای انجام دگرگونیهای عمیق اجتماعی - اقتصادی روز بروز مستحکم تر می کنند .

توطئه های بی دریغی امپریالیسم جهانی بیه سرکردگی امپریالیسم آمریکا - مردم افغانستان برای اینکه بار گذشته استخمار را از دوش خود بردارند، نیاز به کوشش های فوق العاده دارند . پیش از انقلاب افغانستان از نظر درآمد سرانه ملی در یکی از آخرین مقامها در میان کشورهای جهان قرار داشت . از هر سه خانواده روستایی ، یک خانوادہ اصلا از زمین بی بهره بود . از هر ده نفر اهالی ، تنها یک نفر میتواند بخواند و بنویسد . وظایف مربوط به تسریع تجدید حیات ملی و بالا بردن سطح امکانات مادی و معنوی کشور پس از انقلاب اردیبهشت در سال ۱۳۵۷ در دستور روز قرار گرفته است . اما تحقق این وظایف میسر در شرایط بسیار دشوار صورت میگیرد . نیروهای

اگر بیست و هشتم مرداد برای مردم ایران یادآور خاطره تلخ يك کودتای خائنه امپریالیستی است، مردم افغانستان همین روز را از ۶۴ سال پیش بعنوان جشن ملی باز یابی استقلال برگزار می کنند . پیکار چندین ساله خلق افغانستان علیه استعمارگران بریتانیایی در این روز به پیروزی انجامید و کشور حق موجودیت مستقل و آزاد خود را به دشمنان تحویل نکرد . در آن روزهای دور نیز اتحاد شوروی ، مسانند امروز ، در کنار خلق افغانستان بود ، تا بتواند به زندگی مستقل و آزاد خود در شرایط تحریمات دامنه دار استعمار و امپریالیسم ادامه دهد . اما امروز ، پس از انقلاب خلقی اردیبهشت ، (شور) وظایف بکلی دشوارتری در برابر خلق برادر افغانستان قرار گرفته است : غلبه بر عقب ماندگی قرون در مدت زمان کوتاه و مقابله با



فشار بر دولت لبنان افزایش می یابد

ترتیب کوشیده بود عمل خود را توجیه کند . اما تمام این تلاشها تغییری در این واقعیت نمی دهد که حزب حاکم در لبنان ، مخفی از خلق خود با نماینده اسرائیل ، بزرگترین دشمن خلقی لبنان دیدار و گفتگو کرده است .

رادیو دمشق هدف از این دیدار را چنین توضیح داد :

" این فشاری است بر محافل حاکمه لبنان برای اینکه بعضی از آنها را بیشتر بسوی سازش با اسرائیل بکشانند و ادارشان سازند ، که ارتباطات خود را با محافل میهن پرست لبنانی و عرب قطع نمایند . "

اسرائیل می کوشد ، مناسبات خود را با برخی از احزاب لبنان " عادی " کند ، تا وانمود نماید ، که میان اسرائیل و لبنان اختلافی وجود ندارد ، بلکه هر چه هست میان سوریه ، از یکسو ، و اسرائیل و لبنان ، از سوی دیگر است . البته اینگونه تلاشها بتازگی آغاز نشده است . از فردای امضای قرارداد اسرائیل - آمریکا ، لبنان در هفدهم ماه مه سال جاری اسرائیل تمام

بر شمرده که برای پایه گذاری وحدت ملی تلاش می کنند .

پس از بازگشت آرنس به اسرائیل سخنگوی وزارت دفاع این کشور بیشرمانه مدعی شده که هدف از آن " تحقیق تفاهم میان دو کشور " بوده است . " مهمانداران " آرنس نیز همین نظر را داشتند . کامیل شمعون ، رهبر ائتلاف " جبهه لبنان " ، " فادی قرم ، سرفرمانده " نیروهای مشترک مسیحی " ، و پیر جمیل ، رهبر حزب کتاب و پدر امین جمیل رئیس جمهور کنونی لبنان ، نیز اعلام کردند ، که ملاقاتشان با وزیر دفاع اسرائیل به سودد و کشور بوده است . رهبر فالانژها ، بمنظور کاستن از حدت اعتراضات علیه این دیدار خود سرانه اعلام کرده که این سفیر " ناگهانی و بدون دعوت از جانب آنان " صورت گرفته است . پیر جمیل پس از ملاقات با آرنس شارون وزیر دفاع پیشین اسرائیل و وزیر مشاور کنونی این کشور در سال گذشته نیز عینا بهمین

هفته گذشته موشه آرنس وزیر دفاع اسرائیل بطور ناگهانی وارد بیروت شد و با رهبران گروههای راستگرای مسیحی دیدار و گفتگو کرد . این عمل خود سرانه ، که بدون اطلاع دولت رسمی لبنان انجام گرفت ، موجی از خشم و تنفر را در محافل اجتماعی لبنان برانگیخت . شفیق وزان ، نخست وزیر لبنان ، بعنوان اعتراض یکروز تمام ملاقاتهای سیاسی خود و جلسه هیئت دولت را لغو کرد و حتی صحبت از استعفاى او بمیان آمد .

ارزیابی عمومی در مورد سفر موشه آرنس به بیروت اینستکه بدینوسیله خواسته اند از توافق میان نیروهای گوناگون داخلی در لبنان در جهت انعقاد قرارداد و تفاهم جلوگیری کنند . صائب سلام ، نخست وزیر اسبق لبنان ، دیدار وزیر دفاع اسرائیل با سران احزاب محافظه کار مسیحی را ، که در ائتلاف " جبهه لبنان " گرد هم آمد ، هاند ، تحریکی خشن علیه تمام آن کسانی

نکاتی چند پیرامون نظام اجتماعی - اقتصادی

با تشدید بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بحث پیرامون حیطه عملکرد بخشی دولتی، چارچوب مالکیت خصوصی ابزار و وسائل تولید و نقش سیستم تعاونی در اقتصاد و بطور کلی ضرورت اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی نیز دوباره از سر گرفته شده است.

در ارتباط با مسائل اجتماعی - اقتصادی، اصول فراوانی در قانون اساسی وجود دارد، که از آن جمله اند: اصل ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۹، این اصول نه تنها یک دست نیستند، بلکه در مواردی یکی ناقص دیگریست. چنین پدیده‌های حیرت‌آور نیست، تنظیم کنندگان قانون اساسی دارای نظر واحدی نبودند و هر گروهی می‌کوشید، نظرات طبقاتی خود را در این و یا آن اصل منعکس بسازد. برای این نیز بلافاصله پس از تصویب قانون اساسی، مبارزه بر سر تفسیر و نحوه اجرای اصول مذکور آغاز شد و با فراز و نشیب تا امروز ادامه دارد. در این نبرد نیروهای ملی و مترقی، که در اوایل از آزادی نسبی بهره‌مند بودند، شرکت فعال داشتند. گرچه اکثر سران رژیم منکر وجود طبقات در جامعه‌اند، مبارزه از نخستین روز خصلت طبقاتی بخود گرفت. این روند، که نیروهای انقلابی سیاسی آغازگرش بودند، تأثیر کیفی محسوس در سیر آتی نبرد داشت.

زمامداران جمهوری اسلامی هر یک به نوبه از مالکیت دفاع می‌کنند. برخی می‌گویند: "تمام مالکین جامعه می‌توانند مطمئن باشند، که حکومت و دولت و مأموران دولت ضامن تمام دستاوردهای مشروع آنها هستند و دغدغه خاطر نداشته باشند، که اگر مال مشروعشان در کاخی هم ضمیمه شده باشد و بخوابند، کاخ را خراب می‌کنند و در می‌آورند و بهش می‌دهند تا این حد ثبات مالکیت در اسلام محترم است" ("جمهوری اسلامی"، ۱۹، تیرماه ۶۱).

برخی دیگر غلت اساسی ناپسامانها را در وجود و بقای روابط و مناسبات کهن تولیدی می‌دانند و معتقدند، با توسل به "پدیده‌های نویسن اجتماعی و سرمایه‌داری" می‌توان ناپسامانها را سامان بخشید. آنها از روحانیون می‌خواهند، تا "نمایندگان مجلس را بوسیله اجتهاد های انقلابی در رابطه با پدیده‌های نوین اجتماعی و سرمایه‌داری، یعنی مسائل مستحدثه تغذیه نمایند" ("اطلاعات"، ۲۹، تیرماه ۶۱). هدف، چنانکه ملاحظه می‌شود، ادامه راه رشد سرمایه‌داری تحت پوشش احکام شرعی است.

در هر دو مورد برخورد به معضل بس بخرنج نظام اجتماعی - اقتصادی سطحی است، وقتی از حل مناسبات مالکیت سخن می‌رود، منظور فقط حل معضل مالکیت ابزار و وسائل تولید نیست. مناسبات انسانها کلیه عرصه باز تولید، توزیع، مبادله و مصرف را فرا می‌گیرد. بنابراین، منا -

سیات مالکیت عملا شامل مجموعه مناسبات تولیدی این و یا آن نظام اقتصادی است و مالکیت ابزار و وسائل تولید هسته مرکزی آنرا تشکیل می‌دهد. مبارزه برای دستیابی بخود کفایت و استقلال اقتصادی در گرو حل مجموعه مناسبات مالکیت است. تأمین استقلال اقتصادی از فردای روز پیروزی انقلاب در دستور روز قرار گرفت و نبرد در این عرصه تا امروز ادامه دارد. در چسبیدن این نبرد، حزب توده ایران، بنا به وظیفه تاریخی و تعهدات خود در قبال طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، نظراتش را با توجه به شرایط ویژه کشور صریح و روشن اعلام کرد. حزب ما خواهان تحدید تدریجی دایره عملکرد بخش خصوصی، تقویت هرچه بیشتر بخش دولتی و ایجاد سیستم تعاونی فعال در زمینه‌های تولید و توزیع شد.

یکی از علل اساسی یورش سبعانه به حزب توده ایران موضع اشتی ناپذیر ما پیرامون نظام اجتماعی - اقتصادی کشور است. ولی ترور و اختناق هیچگاه نتوانسته است تزلزل در اراده اعضا و هواداران حزب توده ایران بوجود آورد و آنان را از پیکار در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی باز دارد. وقتی مصالح زحمتکشان و آینده میهن مطرح گردیده است، حزب ما همیشه و در همه شرایط نظرات خود را در معرض قضاوت عام گذارده است. اکنون نیز، به پیروی از این روش منطقی، می‌کوشیم جوانب گوناگون مسائل مورد بحث در جامعه را بررسی کنیم.

ما بارها گفتیم و باز تکرار می‌کنیم: پایان دادن به نفوذ مخرب انحصارهای بین‌المللی امپریالیستی در شئون اقتصادی شرط ضروری استقلال اقتصادی و دستیابی بخود کفایتی است. و این یکی از خواسته‌های عده طبقات و قشرهای مختلف شرکت‌کننده در انقلاب بوده است. هر یک از این طبقات و قشرها نیز استدلال و منطقی ویژه خود را داشته‌اند و تا کنون نیز بدان پایبندند.

تردیدی نیست، که در مبارزه ضد امپریالیستی طبقه کارگر بیش از همه ذینفع است. زیرا تسلط امپریالیسم بهر شکلی رابطه مستقیم با تشدید بهره‌کشی دارد. ضربات مهلکی، که در نتیجه سیاست نواستعمار بر پیکر نحیف کشاورزی وارد می‌شود، توده‌های دهقانی را در مقابل امپریالیسم قرار می‌دهد. موضع دهقانان کم زمین و بی‌زمین درباره اصلاحات ارضی رادیکال به‌شابه یگانه راه موثر تأمین خود کفایتی محصولات کشاورزی، که امپریالیسم همیشه در کشور ما سد راه آن بوده، نیازی به استدلال ندارد. امسا سرمایه‌دازان کوچک و حتی متوسط، که زیر فشار فزاینده انحصارهای خارجی فروشندگان کالا قرار دارند و قادر به رقابت با آنها نیستند، در مبارزه با امپریالیسم حد اقل در مراحل معینی

ذینفعند. مشابه این روند را در برخورد به معضل صنعتی شدن، تسریع رشد اقتصادی، نقش بخش دولتی در اقتصاد ملی و غیره می‌توان به عیان مشاهده کرد.

آنچه ما متذکر شدیم، نمونه‌هایی از موارد هم‌آهنگی منافع طبقات و قشرهای گوناگون جامعه در چارچوب ملی بشمار می‌رود. و اینها در مجموع نشانگر خصلت ملی هر انقلابی است، که مضمون آنرا مبارزه علیه امپریالیسم تشکیل می‌دهد. تا زمانیکه به سطره امپریالیسم تسلط داده نشود، نمی‌توان از آزادی ملی و استقلال اقتصادی سخن گفت. همه می‌دانند، که در کشور ما نیروهای ارتجاعی با نفوذی سخنی دارند، تا مواضع از دست رفته امپریالیسم را دوباره احیا کنند و در این راه سرعت پیش می‌روند. آنها مخالف تحولات بنهائی اجتماعی - اقتصادی هستند. به همین سبب حزب توده ایران در آغاز مبارزه بر سر انتخاب نظام نوین اجتماعی - اقتصادی تأکید کرد، که هدف از شرکت وسیع نیروهای اجتماعی در نوسازی جامعه می‌تواند بمعنای دربرگیری همه ملت بطور عام باشد. ابعاد نیروهای هر محرکه انقلاب در مرحله نوسازی با ویژگیهای هر کشور جداگانه‌ای بستگی دارد. مثلا در ایران، گرچه در جریان انقلاب پیروزمند مردم همه نیروهای ضد نظام سلطنتی، صرفنظر از وابستگی های طبقاتی و اجتماعی در رده واحدی مبارزه می‌کردند، پس از پیروزی انقلاب روند مرز بندی طبقاتی با سرعت آغاز و اختلاف منافع گسره های اجتماعی بیش از پیش ظاهر شد. این یک پدیده ناشناخته و نوی نیست. نین سالهای سال پیش با این نتیجه رسید، که پایه‌های پیشروی انقلاب، مناسبات میان طبقات هم تغییر شکل می‌دهد. وی نوشت، که "معنای هر پیشرفت واقعی انقلاب عبارتست از روی آوردن هر چه بیشتر توده‌ها به جنبش و در نتیجه دستیابی به آگاهی بیشتر به مناقصه طبقاتی و بنا بر این آشکاری بیشتر مواضع گروه بندی‌های سیاسی و حزبی و بروز دقیقتر سیمای طبقاتی احزاب گوناگون و بدینسان، تغیر بیش از پیش خواست های سیاسی و اقتصادی کلی و تجریدی، که سبب همین تجریدی بودن مبهم و تاریک مانده بودند، و تبدیل آنها به خواسته‌های گوناگون مشخص و دقیق طبقات مختلف.

در آستان و آغاز انقلاب همه بنام دموکراسی عمل می‌کنند. ولی، بگفته نین، فقط در جریان مبارزه طبقاتی و در رهگذر تکامل تاریخی کم و بیش طولانی انقلاب است، که تفاوت میان استنباط طبقات مختلف از این "دموکراسی" آشکار می‌شود. مطلب بدینجا پایان نمی‌پذیرد در این رهگذر علاوه بر این، ورطه‌های عمیق میان منافع طبقات گوناگونی، که بنام همین "دموکراسی"

نکاتی چندپیرامون نظام اجتماعی - اقتصادی

بقیه از صفحه ۸

تجربه گذشته یکبار به ثبوت رسانده بود، که اقتصاد متکی به سرمایه خصوصی و تکنیک و تکنولوژی انحصارهای چند ملیتی نمی‌تواند، اقتصادی مستقل، پیشرفت‌نم و پویا باشد. این آزمایش مجدداً این راه را بر آن مصادف و مشکلات گردید؟ اکنون کسران رژیم با این بست در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روی بر سر شده‌اند، دباره از ضرورت اجرای اصل ۴ قانون اساسی دم می‌زنند، در حالیکه مسائل مطروحه از جانب آنان در موارد فراوان، با روح این اصل در تضاد آشکار قرار دارد.

برخلاف آنانیکه با پیش کشیدن موضوع احتراز از باصطلاح دولت سالاری و خواست تشویق و حمایت از فعالیت‌های غیردولتی و نیز تأمین "امنیت و آزادی" برای بخش خصوصی با تقویت هر چه بیشتر بخش دولتی مخالفت می‌کنند، ما معتقدیم این بخش می‌تواند و باید به پایگاه عمده رشد اقتصادی مبدل شود. در ارتباط با این امر، مسئله مناسبات مالکیت بحث‌ناپذیر یک معضل حیاتی در تعیین سرنوشت آن کشور مطرح می‌گردد. علیرغم خواست سران رژیم، انقلاب مناسبات مالکیت را یکی از مسائل حاد مورد بحث در جامعه تبدیل کرده است.

بررسی بحرانهای معاصر در پاره‌ای از کشورها نشان می‌دهد که نخستین شرط و عامل اجتماعی تشدید معضلات هم در درون یک کشور و هم در عقیاس بین‌المللی عبارتست از مناسبات مالکیت اقتصاد مبتنی بر مالکیت خصوصی از یک‌انگیزه تبعیت می‌کند و آنهم کوشش برای کسب حداکثر سود از طریق حداقل ریسک سرمایه‌گذاری. آنچه در میهن بلاکنشیده ما می‌گذرد، مؤید این واقعیت است. چنین روندی بسا پیشرفت اجتماعی، با تمایلات اصیل انسانی، بالاخره، با عقل سلیم مغایرت دارد. تضاد میان منافع خصوصی سرمایه‌داران و منافع قشرهای مختلف زحمتکشان، تضاد بین بسط اقتصاد، فرهنگ و سنن بورژوازی و بی‌آدم‌های تلخ و مخرب آنها و تضاد میان نیازمندیهای رشد شخصیت انسانها و انگیزه‌ها و هدفهای ضد بشری و نایاب جامعه بورژوازی، زائید به مالکیت خصوصی ابزار و وسائل تولید است. می‌توان این حقیقت را نادیده گرفت و یا برای مدتی از انتظار پنهان داشت، ولی نمی‌توان نه با تزویر و سفسطه و نه با توسل بزور سدی در برابر بروز اجباری این تضادها ایجاد کرد.

حل مناسبات مالکیت در دستور روز مبارزه قرار دارد و طفره رفتن از آن مقدور نخواهد بود. زیرا، چنانکه متذکر شدیم، مناسبات مالکیت فقط شامل مالکیت ابزار و وسائل تولید نیست، بل معضلات گوناگون دیگر از تولید و توزیع تا مبادله و مصرف را نیز در بر می‌گیرد. هدف تنها رشد نیروهای مولد و افزایش تولید بهر تقدیر نیست، بلکه نوسازی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسود محرومین مطرح است. فقط یک دولت واقعاً ملی، واقعاً دمکراتیک، واقعاً انقلابی می‌تواند، این هدف‌ها را با مراعات اکید آزادی

اقتصادی سیر کند، که بتواند نظامی براتسب مترقی‌تر از نظام سرمایه‌داری را در کشور مستقر سازد. گروهی از راست‌نظران را مورد حمله قرار می‌دهند. تکلیف راستگرایان روشن است. آنها خواهان گسترش مناسبات سرمایه‌داری زیر پوشش اسلام‌اند. عده‌ای دیگر از موضع "چپی" به مقابله با ما برخاسته‌اند، که این تنها دو شرایط انقلاب سوسیالیستی ممکن است. ولی ما با توجه به شرایط موجود کشور، بین مرحله رشد اجتماعی - اقتصادی در حال حاضر و سمت‌کلی آن فرق قائلیم و بهمین علت یک نظام اقتصادی دارای خصیلت ملی و دمکراتیک، مرکب از بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی را مناسبترین نظام در مرحله کنونی تشخیص می‌دهیم. ما ضمن توجه به قانونمندیهای بنیادی دگر سازی انقلابی جامعه، از آنها بهیچ وجه قالبهای اجباری عامی را بیرون نمی‌کشیم. آنچه برای حزب سوده، ایران مطرح بود و هست، مسئله استفاده از شرایط مشخص تاریخی و ملی به منظور غنی‌تر ساختن اشکال و وسائل طرق نوسازی جامعه بسود توده‌های محروم است. از این نظر، نظام اقتصادی مندرج در اصل ۴۴ قانون اساسی، در صورت اجرای دقیق و کنترل شده، می‌تواند بتدریج شرایط گذار به مرحله عالیت را فراهم آورد. بدیهی است، ما نظام اجتماعی - اقتصادی را جدا از مضمون حاکمیت مطرح نمی‌سازیم. به عقیده ما، مرحله نامبرده وقتی با موفقیت قرین خواهد بود، که همه نیروهای انقلابی امر از مذهبی و غیر مذهبی در حاکمیت شریک باشند. زیرا فقط در چنین شرایطی مکانیسم دولتی می‌تواند در راه‌پیشگیری از رشد مناسبات سرمایه‌داری و آغاز نوسازی جامعه بسود توده‌های محروم بکار گرفته شود. ما گفتیم، برای ایجاد چنین مکانیسم دولتی همکاری داوطلبانه و نزدیک همه نیروهای مدافع منافع طبقات و قشرهای زحمتکش جامعه بر اساس مشترک ضرورت دارد. ما تأکید کردیم، که فقط دولت منعکس کننده اراده نیروهای راستین انقلاب، با تأمین شرکت گسترده زحمتکشان در تعیین سرنوشت خویش و مراعات آزادیهای دمکراتیک، می‌تواند به اصل ۴۴ قانون اساسی تحقق بخشد. در غیر اینصورت، انقلاب بتدریج از حمایت توده‌ها محروم، از محتوی تهی و سرانجام به انزوا کشانده خواهد شد.

رویدادهای سالهای اخیر صحت این پیشگویی غلطی حزب سوده، ایران را بسار دیگر بعیان نمودار ساخت. با تسلط عناصر راستگرا و فعال امپریالیسم بر حاکمیت و سرکوب نیروهای ملی و مترقی، انقلاب به بیراهه سوق داده شد، مناسبات تولید سرمایه‌داری ادامه یافت و مواضع امپریالیسم یکی پس از دیگری احیا گردید. گسترش این روند ضد ملی، شکاف میان حاکمیت و زحمتکشان را ژرفتر کرد.

خواستار انجام اقدامات اقتصادی و سیاسی مختلف هستند، آشکار می‌شود. فقط و فقط در جریان مبارزه و در زهدگر تداوم انقلاب روشن می‌شود، که یک طبقه یا قشر "دمکراتیک" نمی‌خواهد باند از طبقه یا قشر دیگر دور برود و آنگاه به‌نگام تحقق هدفهای "مشتتک" تصادمات شدید بر سر شیوه تحقق آنها، مثلاً بر سر این یا آن درجه از وسعت و توالی مراحل آزادی، بر سر چگونگی راه رشد و چگونگی شرکت کارگران در اداره مؤسسات صنعتی و نیز واگذاری زمین به دهقانان و غیره، بروز می‌کند. حزب ما از روز نخست پیروزی انقلاب این اصول انکار ناپذیر را مطرح ساخت. ولی مخالفین ما، که سفسطه را جایگزین منطق ساخته بودند، قادر به فهم این واقعیت مسلم نشدند. علیرغم تمایل ضد کمونیستهای حرفه‌ای، گذشت زمان صحت و اصالت ارزیابی ما را به ثبوت رساند. طی چهار سال و اندی، که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، ما شاهد روند تشدید ناراضی توده‌ها در کشور هستیم و این نتیجه جبری تبلور مناسبات میان استثمار شونده‌گان و استثمارکنندگان است. در چنین شرایطی، دولت به مثابه مجری هدفهای طبقات و گروههای حاکم سیاسی به عمده‌ترین ابزار منافع طبقاتی تبدیل می‌شود. عملکرد دولت فقط از این دیدگاه می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. معیارهای دیگری که پاره‌ای از نظریه پردازان پیرامون راه برون رفت از معضلات مدیده کنونی اجتماعی - اقتصادی مطرح می‌سازند، فاقد اصالت است و هدفی جز کتمان حقایق سرسخت ندارد. زیرا نحوه برخورد بد و مسئله مهم حاکمیت و مالکیت مضمون و محتوی هر انقلابی را تشکیل داده و می‌دهد. تداوم انقلاب، که اینهمه در اطرافش "درفشانی" می‌شود، در موضوع عمده مطرح می‌کند: موضوع شرکت فعال انبوه زحمتکشان در اداره امور دولتی و معضل حل مالکیت و هر دو آنها باین یا آن شکل در قانون اساسی تصریح شده است.

آنانیکه امروز با توسل به کثیف‌ترین حربه‌های به عاریت گرفته شده از امپریالیسم حویب مسا را مورد تهاجم وحشیانه و فاشیستی قرار داده و از ارتکاب هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند، دانسته و فهمیده مسائل بسیاری را از افکار عمومی پنهان می‌دارند. مثلاً، آنها نمی‌گویند، که اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، بدون اندکی کم و کاست پیشنهاد حزب سوده ایران است. آری این پیشنهاد حزبی است، که اینک زمانه‌ان رژیم بدون کوچکترین عذاب وجدان اعضای آن را روانه فراموشخانه‌های به ارت رسیده از شاه معدوم می‌کنند، بدست مأورین ساواک شکنجه می‌دهند و بقتل می‌رسانند.

چرا حزب سوده، ایران چنین پیشنهادی را مطرح ساخت؟ ما معتقدیم، کشور ما باید در راه چنان پیشرفت اجتماعی -

چگونه مصالح ملی فدای جلب حمایت امپریالیسم شد

بقیه از صفحه ۴

نفتی خریداری کند .

خسارت جبران ناپذیر

از همه مهمتر آنکه انحصارهای بین‌المللی نفتست هیچگاه حاضر نشدند، بخشی از سود کلان خود را صرف ایجاد مؤسسات صنعتی برای استفاده از گاز همراه نفت در ایران کنند. نفت - خوآران جهانی ترجیح می‌دادند، گاز همراه نفت را در سرچاههای نفت بسوزانند . این روند از نخستین روز تولید نفت در ایران، یعنی ۷۰ سال پیش، آغاز و تا به امروز بدون انقطاع ادامه دارد. بدین طریق طی ۶۶ سال، یعنی تا سال ۱۳۵۸ بیش از ۴۰۰ میلیارد متر مکعب گاز همراه نفت در سرچاهها سوزانده و بهیچ‌داده شده است . انحصارهای نفتی و رژیم دست‌نشانده با این عمل خسارت عظیم جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشور ما وارد ساخته‌اند .

سران جمهوری اسلامی، که اینهمه جنجال بر سر فروش گاز به اتحاد شوروی برآنداخته‌اند، این حقایق تلخ را بازگو نمی‌کنند : در همین جا باید خاطر نشان کرد، که این روند، یعنی سوزاندن گاز همراه نفت، امروز هم مانند دیروز ادامه دارد . د ولت‌مردان جمهوری اسلامی در این باره نیز سکوت کرده‌اند .

برای روشن شدن ژرفای خیانتی، که به مصالح ملی شده و می‌شود، باید گفت، گاز ماده خام بسیار مهمی است . طرق استفاده از آن گوناگون است . از اینهمه گاز می‌توان هم صنایع پتروشیمی را در ایران پایه گذارد، هم برای ایجاد نیروگاههای حرارتی جهت تأمین نیروی برق مورد نیاز بهره گرفت و هم با لوله کشی مصرف گاز میلیونها ایرانی را تأمین کرد .

گاز ایران می‌توانست پایه ایجاد صنایع داروسازی (برای تولید الکل نشادر، آسپرین، مواد معطر، کلورفرم، فرمالین)، صنایع ساختمانی (برای تولید شیشه ارگانیک، پوشش‌شیرواتی، نخته مصنوعی کف‌اطاق، انواع شمع، لوله، مواد عایق، مواد روکش)، صنایع کف‌اشی و چرم‌سازی (برای تولید رنگ‌ولاک، مواد دباغی، چرم مصنوعی)، صنایع شیمیایی (برای تولید مواد پلاستیک، کاغذچوبی مصنوعی، انواع رنگ‌ها، آمونیاک)، صنایع ریسندهی و بافندگی (برای تولید نسج مصنوعی) و غیره گردد .

بدیگر سخن گازی که در گذشته سوزانده می‌شد و امروز هم سوزانده می‌شود، می‌توانست و می‌تواند تغییر بنیادی در ساختار صنعتی ایران بوجود آورد . ولی سیاست رژیم مخلوع شاه در جهتی بوده، که امکان رشد تولیدات معدنی به قصد ایجاد صنایع تبدیلی را فراهم نیآورد . در این زمینه سیاست نواستعماری امپریالیسم نیز نقش مخربی ایفا نمود . با کمال تأسفاد این سیاست امروز نیز بطریقی ادامه دارد .

روزنامه " پراودا " در شماره ۱۵ و ۱۶

۱۹۸۳ مقاله‌ای درباره همکاریهای اقتصادی میان ایران و اتحاد شوروی منتشر ساخت، که در آن به موضوع گاز نیز اشاره شده است . این روزنامه می‌نویسد:

" در سال ۱۹۶۵ ایران از اتحاد شوروی تقاضای کمک برای استفاده از بخشی از گاز همراه نفت کرد . اتحاد شوروی که خود دارای ذخایر عظیم نفت است، نیازی به خرید گاز نداشت . ولی اتحاد شوروی با توجه به اصل حسن همجواری موافقت کرد، که بهای ماشین آلات صنعتی و خدمات فنی از طریق صدر هر گاز ایران به جمهوریهای ماوراء قفقاز شوروی پرداخت گردد . پس از امضا موافقتنامه، ساختمان لوله گاز سرتاسری بطول ۱۰۰۰ کیلومتر آغاز شد . بخش شمالی لوله گاز با شاخه آن به تهران، که حدود ۶۰۰ کیلومتر بود، با همکاری اتحاد شوروی احداث گردید . ساختمان لوله گاز سرتاسری امکان آنرا داد، تا شهرهای تهران، اصفهان، شیروز، قزوین و مؤسسات صنعتی در طول لوله سرتاسری نیز با گاز تأمین گردند .

روزنامه " پراودا " سپس خاطر نشان می‌سازد :

" از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ ایران حدود ۷۲ میلیارد متر مکعب گاز همراه نفت تحویل اتحاد شوروی داد . بدینسان ایران، بهای ماشین آلات صنعتی و خدمات فنی احداث مجتمع فولاد اصفهان، کارخانه ماشین‌سازی، آراک، سد ارس، سیلوا، مراکز آموزشی و برخی دیگر از مؤسسات صنعتی را پرداخت . چنین شکل تسویه حساب به ایران امکان داد، که بدون صرف ارز خارجی رشته‌های گوناگون اقتصادی را بوجود آورد . خریداران دیگر گاز وجود نداشتند و بنابراین در این سالها ۲۵۰ میلیارد متر مکعب، یعنی ۳/۵ بار بیش از گاز صادره به اتحاد شوروی سوزانده و هدر داده شد .

معامله نامبرده هم برای ایران و هم برای اتحاد شوروی سودآر بود . در عین حال بهوجب این موافقتنامه، قرار بود در صورت افزایش و کاهش بهای نفت سیاه در منطقه خلیج فارس بهای گاز نیز به تناسب تغییر کند . در فاصله دهسال بهای گاز حدود ۱۳ بار افزایش یافت؛ در حالیکه بهای ماشین آلات اتحاد شوروی، که قراردادهای آنها قبل از آغاز تحویل گاز امضا شده بود تغییری نیافت و ثابت ماند ."

باج خواه کیست؟

چنین است واقعیتی، که متقدبین فروش گاز به اتحاد شوروی با سماجت از مردم ایران پنهان می‌دارند . آنان، که مدعیند جمهوری اسلامی " جریان گاز خود را بر روی شوروی بخاطر پساخ خواهد، او ایست و حاضر نشد، بخاطر هرگونه ملاحظاتی گاز را به ثمن بخش به شوروی بدهد "، آشکارا دروغ می‌گویند و حقایق را وارونه

جلوه گر می‌سازند .

باج خواه کیست ؟ آیا طرفی را، که طی دهسال بهای گاز ایران را ۱۳ بار افزایش داده است، بدون اینکه بهای ماشین آلات خود را دیناری افزایش دهد، می‌توان " باج خواه " نامید ؟ اگر این آقایان زحمتی بخود دهند و بهای ماشین آلات صنعتی را طی همان دهسال بررسی کنند، خواهند دید در آن مدت بهای آنها حداقل دویار افزایش یافته بود . سران جمهوری اسلامی بخوبی میدانند، که انحصارهای جهان " غرب " هیچگاه چنین گذشتی نمی‌کنند . در این مورد مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن گویا ترین نمونه است . تصادفاً مواد اولیه این موسسه صنعتی نیز گاز ایران خواهد بود . در موقع خود، ژاپنی‌ها بشرطی حاضر به ایجاد مجتمع پتروشیمی در ایران گردیدند، که ۵۰ درصد سهام به گروهی از کمپنیهای ژاپنی، بزرگترین انحصار مشهور " میتسوئی " تعلق گیرد . فزون بر این، طرف ایرانی معامله متعهد گردید، که گاز مورد نیاز مجتمع را از قرار مترمکعبی کمتر از ۲۰ سنت آمریکائی محاسبه کند . و این واقعه را تحویل گاز به ثمن بخش است، که سود آن بطور فده به کیسه انحصارهای ژاپنی سرازیر خواهد شد . اگر در قرارداد هزینه اولیه اجرای طرح یک میلیارد دلار تعیین شده بود، بعد به تدریج با افزایش بهای ماشین آلات در بازار طرف ژاپنی نیز بهای طرح را به ۱/۸ میلیارد دلار افزایش داد . چندی پیش مدیر ایرانی طرح پتروشیمی ایران و ژاپن اظهار داشت، که ارزش طرح به ۳/۵ میلیارد دلار بالغ گردیده است . تازه این پایان کار نیست . زیرا ساختمان مجتمع هنوز خاتمه نیافته و طرف ژاپنی کماکان به باجگیری ادامه می‌دهد . ۲۹ تیر ماه سال جاری مطبوعات ایران از قول خبرنگاری ژاپنی " کیودو " نوشتند، هزینه اتمام پروژه پتروشیمی ۵۴۸ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار تخمین زده شده است . ایران همچنین موافقت خود را با بازپرداخت ۵۲۷ میلیون و ۴۰۰ هزار دلار دیون محوقه خود به گروه " میتسوئی " که از ژوئیه ۱۹۷۹ آغاز می‌شود، اعلام کرده است . همین خیر حاکمیت که گروه " میتسوئی " جهت ارزیابی خسارات وارده بر این مجتمع، تکنسین‌هایی به ایران اعزام داشته است، حال چه مبلغی از بابت خسارات وارده طلب خواهد کرد، برای احدی روشن نیست .

گدایی از ژاپن امپریالیستی

اگر معامله ژاپن را با معامله اتحاد شوروی با ایران مقایسه کنیم، بسهولت می‌توانیم فرقی فاحش دو نوع مناسبات اقتصادی و فنی را مشاهده کنیم . معامله اتحاد شوروی با ایران، چنانکه دیدیم، عادلانه، بر اساس سود متقابل و حتی گذشت یکجانبه از طرف اتحاد شوروی بسود ایران بود . در مقابل معامله انحصارهای ژاپنی غارتگرانه و صد در صد بضرر ایران است . ولی سران جمهوری اسلامی قرارداد غارتگرانه انحصارهای ژاپنی را، که گاز را به ثمن بخش می‌

بقیه در صفحه ۱۱

نکاتی چند پیرامون نظام اجتماعی - اقتصادی

شرایط تاریخی و اجتماعی و منطقی ایران است مسائل را حل می‌کنیم و ملت خود را بجلومی - بریم " (" تهران اکونومیست " ، ۴ بهمن ماه ۵۴) .

چندی بعد وزیر دربار شاه طی سخنرانی در سمپوزیوم " روابط اقتصادی دولت و مردم " با استناد به گفته " آریایش اظهار داشت : " اقتصاد و فلسفه اجتماعی ما از ایسسم آزاد است " (همان مجله ، ۱۷ مه ماه ۵۵) .

پلند گویان تبلیغاتی رژیم مخلوع با استناد به این ترهسات ، به مردم وعده " تمدن بزرگ " و جامعه‌ای آید مآل بز پایه عدالت - اجتماعی وعده می‌دادند . آنها به توده‌های در بند اسارت سرمایه خصوصی داخلی و خارجی تلقین می‌کردند ، که گویا در ایران استعمار فرد از فرد و طبقات آشتی ناپذیر وجود ندارد و گویا گروه‌های اجتماعی دارای حقوق برابرند و به خاطر منافع مشترک همه ملت با یکدیگر همکاری می‌کنند ! در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۵ شاه در پیام به " سومین کنگره کارگران " ضمن تشریح اجتماع ایران مدهی شده ، که " تناقضات اجتماعی در ایران حل شده است " (همان مجله ، ۱۱ اردیبهشت ماه ۵۵) .

حالی بود ، که در کشور بدترین شکل مناسبات سرمایه‌داری - مناسبات سرمایه‌داری وابسته - حاکم بود و دولت ، به‌ثابه نماینده کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان ، حاکمیت را بدست داشت . سرانجام رژیم شاه برای احدی پوشیده نیست .

متأسفانه باید گفت امروز هم همان افسانه‌ها را ، این بار در لغافه کلمات و جملات مذهبی برای توده‌های زحمتکش می‌سرایند . امروز هم مانند د بیروز منکر وجود طبقات در جامعه‌مانند و دولت را نماینده همه خلق و " امت مسلمان " معرفی می‌کنند .

در جامعه طبقاتی دولت نمی‌تواند ، خصلت همه خلقی داشته باشد . امت نیز همانند ملت از طبقات و قشرهای اجتماعی گوناگون تشکیل می‌شود . بهمین سبب می‌گویند ، دولت مکانیسم سیادت طبقات است . نکته اینجاست ، که این مکانیسم در اختیار چه کسانی است : در اختیار اکثریت مظلوم و یا اقلیت ستمگر ؟ بیسن حاکمیت زحمتکشان و حاکمیت سرمایه‌داران (بهر شکل و عنوانی) ، شق سومی وجود ندارد . در شق نخست القای حاکمیت و سلطه اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داران و دیگر بهره‌کشان مطرح است ، در شق دوم استقرار و سلطه آنها .

آنانیکه می‌اندیشند ، توده‌های زحمتکش از درك مسائل اجتماعی - سیاسی عاجزند ، سخت در اشتباهند . زحمتکشان کشور ما در جریان انقلاب یکشنبه صد ساله پیمودند . آنها خواهان احترام به حقوق دمکراتیک و اجتماعی و ایجاد تحول عمیق و بنیادی در کلیه شئون سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی کشورند .

نخست وزیر وقت در يك مصاحبه " رادیو - تلویزیونی در پاسخ سئوال خبرنگاری مبنی بر - اینکه " شما برای از بین بردن و حل مشکلات کشور خود بکدام يك از راه‌های موجود دنیا ، سوسیالیسم یا کاپیتالیسم متوسل می‌شوید ؟ بدون ذره‌ای شرم گفت : " ما برای از بین بردن مشکلات و پیسشی - بردن کشور خود الگوی هیچ يك از رژیم‌ها و سیستم‌های موجود جهان را تقلید نمی‌کنیم و با معیارها و مقیاس‌های میهن خود ، که مناسب

بقیه از صفحه ۹
های دمکراتیک‌ها محترم شناختن حقوق دمکراتیک احزاب و سازمانهای مترقی برآورد شده سازد . ناگفته پیداست ، که دولت مکانیسم حفظ سیادت طبقه‌ای بر طبقه دیگر نیست . ایسن اصل مسلم را نمی‌توان با سرهبنندی اتسوع " تئوریها " پرده پوشی کرد . در دوران رژیم مخلوع بسیار کوشیدند ، تا نظام حاکم را جدا از هرگونه " ایسم " معرفی کنند . شاه و اعوان و انصارش اصولاً وجود نظام سرمایه‌داری را در ایران منکر بودند . در اوایل سال ۱۳۵۴ ،

چگونه مصالح ملی فدای جلب حمایت امپریالیسم شد

بحال به ثبوت می‌رساند ، که گاز ایران نه خریدار داشت و نه شرایط موجود اقتصادی امکان استفاده آنرا در داخل می‌داد . بنابراین ایسن ، چاره‌ای جز سوزاندن آن نبود . با قطع صدور گاز به اتحادشوری ، اینک همه گاز همراه نفت سوزانده می‌شود . " پرودا " در مقاله نامبرده می - نویسد :

" از فوریه سال ۱۹۸۰ ، یعنی پس از قطع صدور گاز به اتحاد شوروی ، بیش از ۴۰ میلیارد متر مکعب گاز سوزانده شده است . حتی با قیمت سال ۱۹۷۹ ، که بحقیقه ایران نازل است ، پهای گاز سوزانده شده به ۴ میلیارد دلار بالغ میشد . "

سوزاندن و بهدر دادن ۴ میلیارد دلار طی سه سال و پنج ماه شاهکاریست ، که فقط از مقامات

بقیه از صفحه ۱۰
خرند و ماشین آلات خود را به چهار برابر قیمت اولیه بفروش می‌رسانند ، نه تنها ملخی نمی‌کنند ، بلکه چهار سال آزرگار بهرگونه باج خواهی ژاپنی‌ها با حقارت تن می‌دهند . و این روی دیگر سیاست " نه شرقی ، نه غربی " است ، که از مردم ایران پنهان نگاهداشته می‌شود . سیاستی که بتدریج به سیاست " نه شرقی ، فقط غربی " تبدیل می‌شود . تحقق این سیاست بود ، که سردمداران جمهوری اسلامی قرار داد صدور گاز به اتحادشوری را ملخی کردند . هر خواننده بیخبرش بطور وضوح می‌بیند ، که این اعمال سران جمهوری اسلامی در مجموع علیه مصالح ملی میهن ما است . چه نفعی از قطع صدور گاز در مرحله مشخص کنونی وضع اسفبار اقتصادی حاصل کشور گردید ؟ پیکره‌های زیرین تا اندازه‌ای بایسن سوال پاسخ می‌دهد .

سهام صادرات ، مصرف و گاز سوزانده شده (به درصد)

سال	صادرات	مصرف داخلی	سوزانده شده
۱۹۷۱	۱۷/۵	۲۵/۶	۵۶/۹
۱۹۷۲	۱۷/۷	۲۴/۶	۵۷/۷
۱۹۷۵	۲۴/۱	۲۷/۴	۵۱/۲

دولتی ایران می‌توان انتظار آنرا داشت . با این مبلغ ، کشور ما می‌توانست مجتمع فولادی نظیر کارخانه فولاد اصفهان احداث کند و نیازی به خرید فولاد از بازاریهای ژاپن و اروپای غربی به قیمت گران نداشته باشد . ولی سران جمهوری اسلامی جلب حمایت امپریالیسم را به مصالح ملی ترجیح دادند .

پیکره فوق نشانگر آنستکه ، با افزایش صادرات از میزان گاز سوزانده شده نیز کاسته می‌شد . اگر در سال ۱۹۷۲ حدود ۷/۷ صد - صد گاز همراه نفت سوزانده شده بود ، در سال ۱۹۷۵ با افزایش صدور آن ، میزان گاز سوخته شده به ۵۱/۲ درصد کاهش یافت . با وجود این ، سالانه بیش از نصف گاز همراه نفت سوزانده و بهدر می‌رفت . این ارقام در عین -

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم !

در هفته ای که گذشت:

پیروی از این فکر که می توان با اعدا م معدودی، دیگران را از دست زدن به این کار بازداشت، اشتباه است.

غارت ثروت های خلق، پرکردن جیب چپا و لگران به حساب بیت المال، دزدی و احتکار و گرانفروشی، کار یک عده و یک پانند نیست، که با اهدام آنها، ریشه شان خشکانده شود.

تروریسم اقتصادی، چیزی دیگری جز نظم حاکم بر بازار، بر بخش توزیع و بر کل سیستم اقتصادی نیست.

وقتی که آقای دادستان ویژه امور صنفی می گوید که "دادگاه انقلاب اسلامی حرف نمی زند، عمل می کند" آیا غفلت در جهت حل ریشمای این معضل به عنوان معضلی اجتماعی - اقتصادی است یا به صدور احکام اعدام و زندان در حق عدای که اسمشان در رفته و عملشان بر ملا شده خلاصه می شود؟

تنها راه مبارزه با تروریسم اقتصادی، مبارزه با نظام غارتگر سرمایه داری است، که موجب تروریسم اقتصادی است!

سیاست پشت پرده

مقامات جمهوری اسلامی ایران، همواره از این داد سخن میدهند، که دولت جمهوری اسلامی به پیروی از سیاست "نه شرقی، نه غربی" خود هر آنچه را که صلاح مملکت میدانند انجام میدهند و به قدرت و جریانی ولستگسی ندارد! آنها مدعی اند، که از این طریق آنها از منافع کشور در برابر "نیروهای استکباری جهان" و "ابر قدرتها" دفاع می کنند.

اما واقعیت، با توجه به سخنان آقای علی آقا محمدی، نماینده همدان در مجلس شورای اسلامی، خلاف این ادعای دهان پرکن دست اندرکاران را به اثبات میرساند.

آقای علی آقا محمدی در سخنرانی پیش از دستور خود در جلسه پنجشنبه ۲۰ مرداد ۸۱۲ با اشاره به مسئله اختلافات مالی میان ایران و آمریکا، و نظر بر اینکه این اختلافات می بایستی از طریق یک دادگاه بین المللی حل و فصل میشد، اظهار داشت:

"ما نمی توانیم ملت و مصالح ملت را به دست دادگاهی بسپاریم که دو نفر از دایوران آن از جانب آمریکا تعیین شدند و آنها چنان توطئه کنند که آن بیکفتری که باید با توافق ما باشد از سوی آمریکا تعیین شده و رأی غالب از آن آمریکا باشد!"

موضوع رسیدگی به اختلافات مالی میان ایران و آمریکا در بیانیه الجزیره به یک دادگاه بین المللی احاله شده است، ولی این دادگاه به یک دادگاه آمریکایی تبدیل می شود! بد و ن آنکه دولت جمهوری اسلامی اقدامی در مقابل آن انجام دهد. در حالیکه مقامات جمهوری اسلامی در قبال این جریان سکوت پیشه میکند، از چهار گوشه جهان خبر میرسد که دولت جمهوری اسلامی ایران با توافق در ایست دادگاه به پرداخت غرامت به شرکت هسپانی آمریکایی، که گویا در جریان انقلاب "صدمه"

بقیه در صفحه ۱۳

به مقاومت هایی که در "جامعه" دستگاہهای اجرایی "علیه تدوین چنین برنامه ای وجود داشته است اشاره کرد و اظهار داشت، که مخالفان حتی تدوین برنامه را بی فایده می دانستند و می گفتند که "قبل از ظهور و قیام حضرت مهدی (عج) هر اقدام سازمان یافته و برنامه ریزی شده برای صلاح امت نه ممکن است و نه مفید".

وی همچنین اظهار داشت، که مخالفین برنامه ریزی کار را به "نامه پرکنی و شایعه سازی و تهمت زدن" کشانده بودند. به گفته آقای موسوی آنها بایی که در خط آمریکا حرکت می کردند برنامه ریزی را به عنوان یک اقدام آمریکایی (!) می گویند.

صرفنظر از این مخالفت های نیروها و عناصر ضد انقلابی، که در درون دولت نفوذ کرده اند با اصل برنامه ریزی، باید تأکید کرد، که تدوین فی نفسه "برنامه" هیچ گرهی را از پای جامعه بجزان زده ما نخواهد گشود.

باید بد جهت گیری عمومی در این برنامه چیست؟ معمولاً برنامه زمانی مفهوم خواهد داشت، که اصل مالکیت بر وسایل تولید روشن باشد، تا بتوان بر حسب آن برنامه ریزی کرد و در راه اجرای برنامه نیز گام گذاشت. گویا مقامات اجرایی ج ۱۰۱۰ و برنامه ریزان پیش خود، پیش شرط را بر حفظ نظم موجود و تحکیم آن گذاشته اند. هنوز تحولی در وضع مالکیت بر زمین انجام نگرفته، روند بازگرداندن کارخانه های ملی شده به بخش خصوصی ادامه دارد، هنوز بازار گانی خارجی در دست بازاریان و تجار بزرگ است و همینطور رشته های دیگر اقتصادی.

در "برنامه" کنونی تکیه ای بر آن مواد قانون اساسی، که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را بر دو بخش عمده دولتی و تعاونی، و بخش خصوصی به عنوان مکمل دو بخش اول، تقسیم کرده، انجام نگرفته است. همچنین راه و شیوه های اجرای برنامه روشن نشده است.

"راه توده" در این باره باز هم صحبت خواهد کرد.

تطهیر نظام غارتگر سرمایه داری

آنطور که روزنامه های مجاز ایران نوشتند، دادگاه امور صنفی تهران دو دزد آهن را به اعدام محکوم کرده است.

اگر چه مجازات تمام کسانی که با اینگونه اعمال در توطئه های ضد انقلابی و ضد مردمی شرکت کرده اند لازم و ضروری است، اما تنها با اعدام معدودی از غارتگران مطمئناً نمیتوان به حل مسئله احتکار و غارتگری به مبارزه ریشمای با تروریسم اقتصادی دست یافت.

"خطر شوروی"

تمرات خود را بیارمی آورد!

چنانچه طی روزهای اخیر اطلاع حاصل شد، وزارت دفاع آمریکا "پنتاگون" قصد دارد در ادامه سیاست تجاوز کارانه خود در خاور میانه و منطقه خلیج فارس، پنج لشکر جدید پیاده نظام را برای استفاده در حوزه های نفتی خلیج فارس و انجام عملیات جنگی در شرایط کوهستانی ایران آماده سازد.

بر پایه این گزارش روزنامه واشنگتن پست می نویسد:

"این لشکرها باید بتوانند در هر منطقه ای که "منافع" آمریکا بخطر افتاد مداخله کنند." و اشاره می کند که این واحدهای نظامی در مرحله اول به منظور "دفع حمله روسها" در کوههای ایران تدارک دیده می شوند.

بطوریکه مشاهده میشود، امپریالیستهای آمریکا تلاش میکنند تا ماجراجویی های نظامی خود را با بخش تبلیغات موهوم "خطر شوروی" استوار کنند.

امپریالیسم آمریکا، بویژه از آن جهت مترسک "خطر شوروی" را با شدت هر چه تهاوتر در مقابل خلقهای کشورهای منطقه خاور نزدیک و میانه به حرکت می آورد، تا با کمک آن بتواند این خلقها را مرعوب و راه تحکیم مواضع خود را هموار سازد. برای اولین بار نیست که آنها از این پهنا در زمین استفاده می کنند. امپریالیسم آمریکا تمام عملیات اسارتگرانه و غارتگرانه و تجاوز گرانه خود از تشکیل پیمانهای نظامی گرفته، تا گسیل سیل اسلحه، تاراج منابع نفت، سرکوب خونین جنبشهای آزاد بیخوش، نقض استقلال کشورهای مستقل، افروختن آتش جنگ های محلی و... راه همراه یا دمیدن در کرنای تبلیغات گوش خراش مقابل با "خطر شوروی" و "خطر کمونیسم" انجام میدهد.

امپریالیسم آمریکا امیدوار است، که با استفاده از هیستری ضد شوروی کنونی در ایران توجه مردم را از تدارکات روز افزون نظامی پنتاگون در نزدیکی مرزهای جنوبی ایران منحرف سازد.

راستگرایان افراطی نیز که سوار بر امواج شوروی ستیزی، سیاست غرب پسندان خود را به پیش میبرند، در تلاش اند تا اجرای سیاست آمریکا در ایران آسانتر شود.

"برنامه اول پنجساله"

توسعه اقتصادی کشور

اولین برنامه پنجساله "توسعه اقتصادی کشور توسط دولت، تقدیم مجلس شورای اسلامی شد تا مورد بررسی قرار گیرد.

آقای نخست وزیر در سخنرانی خود در مجلس

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

دیده بودند، آغاز می کند و با واریز کردن مبلغ هنگفتی (۲۶ میلیون دلار) به حساب آمریکا " خسارات " وارده به آمریکا را جبران می - سازد! اینجا است که آدمی به " حقانیت شعبار " نه شرقی، نه غربی " ادعایی مقامات جمهوری اسلامی، که میکوشند آن را به مردم القاء کنند بی می برد!

تغییر استراتژیک یا ادامه سیاست گذشته؟

آقای علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در گفتگویی با رسانه های گروهی مجاز کشور، چگونگی شکل گیری مناسبات سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را با سایر کشورهای جهان تشریح کرد و مدعی شده که " بعد از انقلاب اسلامی دولت ج ۱۰۱۰ يك تخيير استراتژيك در روابط خود با کشورهای جهان بوجود آورده است " . اگر ادعای آقای ولایتی مبنی بر " تغییر استراتژیک در روابط " ایران با " کشورهای جهان " درست می بود، لازم بود، که پس از پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن سیاست خارجی ایران در جهت نزدیکی با کشورهای ضد امپریالیست جهان سیر می کرد . زیرا همانطور که می دانیم ترکیب مناسبات ایران پیش از انقلاب با " کشورهای جهان " به سود سیاست وابستگی به امپریالیسم و همکاری با ارتجاع محلی بود . است . بنا بر این هرگونه تغییر استراتژیک باید به معنای سمتگیری ضد امپریالیستی و همکاری با کشورهای مترقی باشد . بدون چنین تحولی در سیاست خارجی نمیتوان از تغییر استراتژیک این سیاست صحبت کرد .

برای آشنایان به سیاست خارجی ج ۱۰۱۰ روشن است که این ادعا چقدر با واقعیت ناسازگار است . این تغییر استراتژیک در مجموع خود در هیچ مقطعی از انقلاب به وقوع نپیوسته است ؛ نه آزمانی که سنجایی، یزدی، بنی صدر و یسا

قطب زاده معدوم سکان سیاست خارجی ایران را در دست داشتند و آنرا با قطب نمایی " واشنگتن " می چرخاندند، و نه اکنون کسه آقای ولایتی مأمور اینکار است !

نه تنها تخیری کیفی در جهت گیری سیاسی جمهوری اسلامی ایران به وقوع نپیوسته است، بلکه همان سیاست قدیم با رنگ تازه ای پوشانده شده و با شعارهای توخالی و ادعای " نسه شرقی، نه غربی " ادامه داده می شود . اگر حرکت سیاسی و مشی سیاسی " يك کشور، مبنای ایجاد روابط سیاسی آن است، پس کدام حرکت و مشی سیاسی، ترکیه و پاکستان " آمریکا و ناتو زده "، امپریالیسم ژاپن و اکثر کشورهای اروپای غربی، که عضو پیمان تجاوز کار ناتو نیز هستند، باعث آن شده است که ج ۱۰۱۰ مهم - ترین روابط را با آنان ایجاد کند ؟

فقط در چهار چوب تداوم این سیاست خارجی فاجعه انگیز برای میهن ما است، کسه مسئولان جمهوری نوپا، دانسته یا ندانسته به عامل تبلیغات امپریالیستی تبدیل می شوند . آقای رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار با وزیر دفاع به پیروی از این سیاست خارجی تحمیل شده به جمهوری اسلامی ایران است، که به تکرار تبلیغات رسانه های گروهی امپریالیستی می پردازد و می گوید:

" موشکهای ابر قدرت ها ژاپن و اروپا و چین را شانه گرفته اند " (کیهان ۲۲ مرداد ۶۲) . این بیان ادعای امپریالیسم آمریکا است، کسه مدعی است، که گویا موشک های شوروی کشورهای هم پیمان او را در اروپای غربی و ژاپن تهدید می کند . امپریالیسم آمریکا می خواهد با سوء - استفاده از این تبلیغات بر لزوم استقرار موشک های بالدار خود در اروپای غربی پافشاری کند و طعیر موج عظیم تظاهرات و پرخاش خلقهای اروپایی و آمریکایی علیه سلاحهای اتمی و استقرار این موشکهای آمریکایی در اروپا به این اقدام جنایتکارانه و جنگ طلبانه دست یزند . ایمن نکته نیز شایان توجه است، که تبلیغات امپریالیستی مدعی است، که عقب بردن موشکهای شوروی از سرزمین اروپایی آن " امنیت چین " را به خطر می اندازد . و آقای رئیس مجلس شورای اسلامی نیز همین ادعا را تکرار میکند .

" کانون خانواده های زندانیان توده ای "

می کنیم با ما از طریق نشریه " راه توده " تماس بگیرند تا بتوانیم با کمک تک تک شان فعالیت های خود مان را گسترده تر سازیم .

● " از رفقا و هواداران حزب، که افرادی از اعضای خانواده مشان در زندانهای جمهوری اسلامی اسپرند و نامه هایی بدین مناسبت به مقامات ج ۱۰۱۰ نوشته اند، تقاضا داریم رونوشت نامه های خود را جهت انعکاس در " راه توده " برای ما ارسال دارند " .

" رفقای عزیز، ما جمعی از افراد خانواده های زندانیان توده ای، اقدام به تشکیل کانونی به نام " کانون خانواده های زندانیان توده ای " نمودیم، تا در ارتباط با فعالیت های دیگری که در کشورهای خارج، برای دفاع از جان بستگان مان و دیگر مبارزینی که در زندانهای ج ۱۰۱۰ گرفتارند، انجام میشود، به فعالیت گسترده ای بپردازیم . ما از تمام دوستان و هواداران حزب، که عزیزانشان در بند ج ۱۰۱۰ اسپرند تقاضا

گفتند...

دیدیم...

" به عمل کار برآید، به سخنرانی نیست."

گفتند: " سنده، دست پینه بسته، دهقانان است؟"
دیدیم: سنده، همان سند ساختگی بزرگ مالکان است!

گفتند: " عرق کارگر از خون شهید برتر است."
دیدیم: آنچه فدای " سرمایه " می شود، خون شهید و عرق کارگر است!

گفتند: " هر که انقلابی است، پیش است."
دیدیم: معیار، تسبیح و ریش است!

گفتند: " به فرموده اسلام: زگواره تا گور دانش بجوی."
دیدیم: در دانشگاه را بستند و گفتند: ز دانشگاه و علم چیزی مگوی!

گفتند: " سال، سال قانون است."
دیدیم: سال، سال کشتار و خون است!

گفتند: " سال، سال مستضعفان است."
دیدیم: سال، سال مستکبران است!

گفتند: " احزاب اگر توطئه نکنند، آزادند."
دیدیم: با توطئه، هر احزاب آزاد، بند نهادند!

گفتند: " شیاطین بزرگ و کوچک، بدند."
دیدیم: با شیاطین رنگارنگ در داد و ستدند!

گفتند: " جنگ چیز خوبی است."
دیدیم: این را دیگر " راست " می گویند و عمل هم می کنند . جنگ فی الواقع هم چیز خوبی است . . . البته برای " بزرگ شیطان " و کلان سرمایه داران و راست گرایان !

نامه خوانندگان

نامه های فراوانی به " راه توده " می رسد . نویسندگان آنها، از دوستان و هواداران حزب احساسات آتشین خود پیرامون دستگیری، شکنجه و قتل توده ایها و خطر عظیمی کسه موجودیت انقلاب را تهدید می کند، ابراز داشته و یا نکات جالبی را برای بهبود کار ما متذکر میشوند .

— منوچهر، از بریتانیا، نامه ای تحت عنوان " درود آتشین به زندانیان توده ای " به " راه توده " نوشته، که در آن به تبلیغات مسموم کننده و ریا - کارانه امپریالیسم و ارتجاع علیه حزب توده، ایران و ضرورت مقابله با آن اشاره شده است .

— رفیق عزیز س . م . نامه پر احساس شما رسید . ما نیز همچون شما معتقدیم که " حزب را که این چنین با هستی انسانها در آمیخته نمیتوان از بین برد " .

● حسین م . نامه شما از پاریس رسید .

خلق رانمی توان با صدای طبل تو خالی به گمراهی کشاند!

بقیه از صفحه ۱

صدای راه انداختن بی محتوا است - زیرا : اهداف سیاسی - اقتصادی و اجتماعی این انجمن ساواک ساخته در ماههای اخیر نقش بیشتر و بیشتری در سیاست حاکمیت ج ۱۰۱۰ ایفا کرد و اکنون عملاً به سیاست دولتی تبدیل شده است!

دفاع از بزرگ زمین داری و بقایای فئودالیسم و نظام خان خانی که با رد کردن قانون نیمپند اصلاحات ارضی توسط شورای نگهبان به اوج خود رسید،

- حفظ مناسبات سرمایه داری،

که برنامه پنج ساله اعلام شده توسط دولت برای آنها سیاست نمونه وار است،

- پشتیبانی از غارتگری تروریست

های اقتصادی که رد کردن قانون بازرگانی خارجی دولتی توسط شورای نگهبان و مخالفت با نظام توزیع داخلی مردمی و تحت کنترل و نظارت دولتی در کابینه و مجلس و شورای نگهبان بیان آن است .

- سیاست کارگرتیزی و هموار کردن بر راه استثمار افسار گسیخته کارگران، که در پیش نویس قانون کار کذائی توکلی و شرکا تبلور می یابد،

- نقض حقوق و آزادی های دمکراتیک مصرح در قانون اساسی، و ایجاد جو ارباب و وحشت و خفقان بر جامعه، که با سرکوب همه دگر اندیشان تحت عنوان تودهای مقدس و مجاهد اجرا می شود، همه آن اهدافی را تشکیل می دهد، که توسط نمایندگان با نام و بی نام این

انجمن ساواک ساخته اعلام شده بود و اکنون با تسلیم طلبی مدعیان " دفاع " و " کمک " به " مستضعفان " در حاکمیت به سیاست عمومی دولتی ارتقا یافته است!

در صحنه خارجی نیز سیاست این انجمن به سیاست حاکم بر جمهوری نوا تبدیل شده است :

- نزدیکی به غرب " اهل کتاب "،

- " دوستی و مودت " با کشورهای آمریکا و کودتا زد هائی از نوع ترکیه و پاکستان، زده ای .

- مغالزه روز افزون با امپریالیسم ژاپن و امپریالیست های اروپائی،

- سرآشتی داشتن با امپریالیسم آمریکا،

- شوروی ستیزی عنان گسیخته و خط به خط و نقطه به نقطه اهدافی را تشکیل می دهد، که انجمن حجتیه برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دنبال می کند و امروز بطور کامل به برنامه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است .

کویدن طبل تو خالی

جنبه دیگر بی محتوی بودن کویدن بر طبل تو خالی " مبارزه با انجمن حجتیه " از این واقعیت ناشی می شود، که در استان نامرئی پشت پرده " سیا " و " ساواک " در این انجمن خیلی زود تر از دن کیشوت های خواهان مبارزه با این انجمن، به فکر جابجا کردن مهرهای خود و نفوذ عناصر خود در نهادها، احزاب و مراکز قدرت افتادند . تقسیم شدن " حجتیه ای ها " به " توپین " " عباد الصالحین " و " حجتیه ای های ناب " بمنظور اعمال همین سیاست انجام شد . تردیدی نیست که از این طریق، حضور و نفوذ این عناصر در نهادها، دولت، مجلس، شورای نگهبان و حزب جمهوری اسلامی به موقع تأمین و زمینه تدویم فعالیت خرابکارانه این انجمن به اشکال دیگر ایجاد شده بود .

نطق آقای خزعلی، عضو شورای نگهبان قانون اساسی، در دفاع از " انجمن حجتیه " در آبان ماه ۱۳۶۱، در محل حزب جمهوری اسلامی مشتی از خروار است و فقط نوك کوه یخ نفوذ این عناصر را در این حزب بر ملا می سازد، که چنین نطقی را در آنجا ممکن ساخت .

لذا مبارزه واقعی با انجمن حجتیه، جز مبارزه با سیاست انقلاب برانداز این انجمن نمی تواند باشد . در غیر این صورت این " مبارزه " جز کویدن بر طبل تو خالی بمنظور خاک پاشیدن به چشم زحمتکشان نخواهد بود .

زحمتکشان میهن ما با شم انقلابی خود این " جنگ زرگری " و دن کیشوت وار را با " انجمن حجتیه " تشخیص داد و به جالبه القابات مبارزه با " سایه " خط راستگرا نخواهند افتاد!

در گواتمالا باز هم ژنرالها به دستور " واشنگتن " حیا شدند

همه تنگ ساز شورای رهبری دولت بازسازی ملی نیکاراگوئه کودتای جدید در گواتمالا را بعنوان گم تازهای در راستای گسترش تجاوز آمریکا علیه نیکاراگوئه ارزیابی کرد . آمریکا می خواهد وضعی بوجود آورد، که بتواند شرکت گواتمالا را در تجاوز به نیکاراگوئه وسیعتر کند . امپریالیسم آمریکا میکوشد راه هر گونه مذاکره ای را برای حل مسالمت آمیز مسائل آمریکای مرکزی سدود نماید . جنبش مقاومت گواتمالا پس از کودتای طوسی اعلامیه ای اراده " خویش را برای هر چه فعالیت کردن مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری اعلام کرد و افزود، که تمام مانورهای سیاسی در گواتمالا توسط محافل " واشنگتن " دیکته میشود .

ژنرال ویکتورس، رئیس جمهور جدید گواتمالا، مانند اسلافش یکی از دست پروردگان آمریکاست او که اکنون ۵۲ ساله است، تحصیلات نظامی خود را در آکادمی " آمریکاس "، متعلق به آمریکائیکها در منطقه کانال پاناما انجام داده است . رهبری ارتش گواتمالا، که در مورد ترور خونین در کشور مسئولیت مستقیم دارد، از صدر تا ذیل از عناصری نظیر ویت و ویکتورس تشکیل شده است . این ارتش از یک دستگاه تزیینی بخیلی سازمان یافته برخوردار است، که چه مستقیماً و چه توسط پاندهای شبه نظامی، مخالفان خود را، که مخالفان امپریالیسم آمریکا نیز هستند، نابود می کند . این دستگاه تزیینی با سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا سیا، پیوند مستقیم دارد .

چنین بنظر میرسد، که رئیس جمهور تازه گواتمالا باز هم بیشتر کشور را بسوی راست خواهد کشاند و وظایف مشخص تری را در جهت اجرای نقشه های " واشنگتن " در آمریکای مرکزی بعهده خواهد گرفت .

روز هشتم اوت در گواتمالا بار دیگر کودتای نظامی رخ داد . ژنرال ریوس مونت، پس از زد و خورد هائی، که منجر به مرگ نه تن و زخمی شدن ۲۰ نفر گردید، مقام ریاست جمهوری خود را به ژنرال اسکار ویکتورس، فرمانده کل نهر و های مسلح گواتمالا، تسلیم کرد . درست در ماه مارس سال گذشته بود، که ژنرال ریوس مونت در مقام فرمانده کل قوا علیه ژنرال آنیبال گوارا کودتا کرد و او را از مقام ریاست جمهوری برکنار نمود . دو سال یکبار به اشاره " واشنگتن " ژنرالها جابجا می شوند، ولی ماهیت حکومت فاشیستی و وابسته این کشور کوچکترین تغییری نمیکند . روشن است، که برای انجام هر کودتای بهانه ای هم می تراشند . ژنرال مونت متهم شده ، که می خواسته است، در ارتش تفرقه ایجاد کند و یک دیکتاتوری شخصی نزدیک به کلیسا بوجود آورد . معلوم میشود این آدمکشان حرفهای نژاد پرست در گواتمالا گرایشهای مذهبی عمیقی هم دارند .

در واقع، اتفاق مهمی در گواتمالا، این کشور بسیار عقب مانده در آمریکای مرکزی، روی نداده است . یک رژیم ارتجاعی دیکتاتوری با یک رژیم ارتجاعی دیکتاتوری دیگر جانشین شده و لسی کمونیسم ستیزی عنان گسیخته و سیاست کشتار جمعی سرخ پوستان بدون هیچگونه تغییری به جای مانده است .

حاکمان تازه گواتمالا اعلام کردند، که پس تمام قوا در جهت بهبود و گسترش مناسبات با " واشنگتن " خواهد کوشید! " خبرگزاری فرانسه " اطلاع داده است، که در آستانه کودتا، محافل حاکمه آمریکا آشکارا از ژنرال ریوس مونت ابراز ناخشنودی میکردند . زیرا او تمام آنچه را، که " واشنگتن " از او می خواسته، انجام نمیداده است . از این جهت است، که داننیل ارتگا،

شرکت روزافزون محافل مرفقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده‌ای!

بقیه از صفحه ۵

سیاسی و فردی است و عدم اجرای مواد مرفقی دیگر این قانون در مسائل بنیادی اقتصادی، از جمله دولتی نمودن بازرگانی خارجی، انجام اصلاحات ارضی و غیره ۰۰۰ تنها به بازگشت امپریالیست‌ها به ایران، بازگذاوردن دست سرمایه‌داران داخلی در اجحاف هر چه بیشتر زحمتکشان و در نهایت، به ورطه شکست کشتیدن انقلاب ایران میانجامد.

این اعمال، نگرانی مردم مرفقی هندوستان را شدیداً برانگیخته است و ما باز هم با نگرانی این نامه، به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران هشدار میدهم، هر چه زودتر با اجرای صریح قانون اساسی در مورد تخفیرات بنیادی بنفع زحمتکشان و رعایت حقوق دمکراتیک شهر وندان و آزادی احزاب سیاسی، از روند نابودی انقلاب ایران جلوگیری نمایند و به شکنجه رهبران و اعضای حزب توده، ایران خاتمه دهند و آنان را از زندان آزاد نمایند.

شخصیتهای مرفقی بریتانیا بحران انقلاب را افساء می‌کنند!

در تاریخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۳ بنا به دعوت دانشجویان هوادار انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ایران در دانشگاه "برونسل" در انگلستان جلسهای در دفاع از زندانیان توده‌ای به ابتکار "کمیته" دفاع از انقلاب ایران به نمایش گذاشته شد.

در این جلسه آقای دیک ایکلند از اعضای مرفقی حزب کارگر پس از ذکر نمونه‌هایی از تجربه خلق های جهان پس از انقلابات رهائی بخش، از جمله گفت:

"نخستین سالهای پس از پیروزی ایمن انقلابات سرنوشت ساز است. چنانچه مسئولان برنامه‌های برای بازسازی نداشته باشند تا به مردمی، که انقلاب را به ثمر رسانید مانده، ارائه دهند، خلا ایجاد می‌شود و بحران قبلی از انقلاب ادامه می‌یابد. تمایلی طبیعی مسئولان این خواهد بود، که به تنها برنامه‌های، که می‌شناسند، یعنی برنامه همان رژیم که آنرا برانداخته‌اند، رو بیاورند. از اینجهت است که تمام سعی امپریالیسم پس از انقلابات، ایجاد تفرقه و جلوگیری از اجرای برنامه‌های جدید و از بین بردن احزابی است، که برنامه‌های قابل اجرا دارند. در ایران نیز امپریالیسم و ارتجاع که هراس دارند، خلا ایجاد شده توسط حزب توده، ایران پرشود، مجدداً همانگونه که در سال ۵۳ اتفاق افتاد به این حزب حملیه بردماند."

برگزاری موفق آمیز این جلسه همبستگی با زندانیان توده‌ای، و موضع افشاگرانه نیروهای مرفقی شرکت‌کننده در آن در مقابل جو اختناق

کشمشما، شدیدا اعتراض می‌کنیم. این مبارزان اصیل را آزاد سازید و انقلاب را از ورطه نابودی برهانید!

● سازمان فرهنگی و خلق آثار هنری ناحیه مارکه (آنکونا)، ضمن مخابره تلگرافی به سفارت ج ۱۰۱۰ اعتراضات شدید خود را نسبت به اعمال تضحیقات در مورد حزب توده، ایران و رهبران و اعضای آن اعلام داشته، آزادی این مبارزان را خواستار گردیده است.

● گروهی از حقوقدانان، قضات و نیز دادستان آنکونا، نگرانی شدید خود را در مورد دستگیری کادر رهبری حزب توده، ایران ابراز نموده و همبستگی صبیق خود را با مبارزان توده‌ای دژ بند اعلام نموده‌اند.

● سندیکای کارگران فلزکار آنکونا و ناحیه مارکه، تلگرامهای اعتراضی به مقامات ج ۱۰۱۰ مخابره کرده که ضمن آن بنام کلیه کارگران منطقه، اعمال روشهای وحشیانه در مورد شخصیت‌هایی چون رفیق کیانوری و طبری و سایر مبارزان توده‌ای را محکوم و آزادی بلادرنگ آنان را خواستار گردیده است.

● شهرداری فرآ، طی ارسال تلگرامهای به سفارت ج ۱۰۱۰ در رم و وزیر امور خارجه ایتالیا نگرانی خود را در مورد سرنوشت رهبران و اعضای حزب توده، ایران ابراز داشته، خواستار دخالت دولت ایتالیا بمنظور آزاد ساختن این رفقا گردیده است.

● جمعیت پارتیزانهای ایتالیا در فرآ، به ریاست الیویسی، ضمن ارسال تلگرامهای اعتراضی به ریاست جمهوری، نخست وزیر و سفیر ج ۱۰۱۰ در واتیکان، اعمال روشهای غیرقانونی و ضد بشری در مورد رهبران و اعضای حزب توده، ایران را که بسیاری از آنان از شخصیت های علمی - ادبی و هنری این کشور میباشند، شدیداً محکوم کرده، خواستار رعایت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آزاد ساختن این مبارزان گردیده است.

و فشار و شکنجه علیه حزب ما، جواب دندان شکنی نیز بود به آن عواطفی که قصد جلوگیری از برگزاری آن را داشتند.

"کمیته" دفاع از انقلاب در بریتانیا، به منظور دعوت عموم برای شرکت در جلسه نمایش فیلم "اقرار" و افشای جنایات اعمال شده توسط "ساواک" در خدمت جمهوری اسلامی، پوسترهایی را به دیوارهای دانشگاه "برونسل" (در انگلین) و حوالی آن نصب کرده بود که مای از طرفداران راستگرایان حاکم در ج ۱۰۱۰ کوشش کردند تا با جمع آوری اوراق اعلام نمایش و نکند پوسترهای آن، از اطلاع دیگر دانشجویان از نمایش این فیلمها که به تف سربالایی برای "کارگردانان اصلی آن در تهران و اوین تبدیل شده است، جلوگیری کنند.

ایتالیا

● سندیکای کارکنان مدارس، وابسته به "فدراسیون عمومی کار" در استان ونتو، طی مخابره تلگرافی به سفارت ج ۱۰۱۰، پیروشی به حزب توده، ایران و مبارزان توده‌ای را توهینسی به سنتهای انقلابی در جهان دانسته، خواستار اعزام هر چه سریعتر هیأتی به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان و برگزاری محاکمات علنی یا حضور ناظرین بین المللی گردیده است.

● سندیکای پازنشتگان، وابسته به "فدراسیون عمومی کار" در استان ونتو، طی تلگرامی که به سفارت ج ۱۰۱۰ در رم مخابره نموده است، از جمله مینویسد:

"ما کارگران پازنشتسته، شکنجه‌های فاشیسم را بخاطر داریم و از پیرویه دستگیری و شکنجه نورالدین کیانوری و سایر مبارزان حزب توده، ایران، فداکارترین انقلابیون ضد امپریالیست

نامه "حزب کارگری کمونیستی سوئد" (بخش مولندال) به سفارت ایران در سوئد:

به سرکوب و شکنجه توده‌ای‌ها پایان دهید!

خواهیم، تا، بجای شکنجه اعضای حزب توده ایران، با آنها همکاری کنند. ما تودماهیسا را به مثابه انقلابی‌هایی نیک می‌شناسیم، که از امام و انقلاب ضد امپریالیستی به دفاع برخاستند. اتهام جاسوسی تنها میتوانست اتهامی دروغین باشد.

ما همچنین در گفتگوهای خود با دیگر نیروهای ضد امپریالیستی و غیر کمونیست شهر خویش در یافتیم، که آنها نیز هم آوا یا ما، برآند، که انقلاب ایران تنها هنگامی می‌تواند از پشتیبانی پیوسته و فزاینده مردم سوئد برخوردار شود، که سرکوب و شکنجه تودماهیسا پایان یابد.

چندی پیش "حزب کارگر کمونیستی سوئد" نامه‌ای به سفارت جمهوری اسلامی ایران در سوئد فرستاد، که در آن آمده است:

"چنانکه بما خبر میرسد، اعضای حزب توده، ایران هدف سرکوب و شکنجه قرار گرفتند. این واقعیت را میتوان از جمله، در برنامه‌های تلویزیونی دیده، که نورالدین کیانوری در آنها به جاسوسی، اعتراف می‌کند.

سازمان تصمیم گرفته است، که، از اینسراه، اعتراض خود را نسبت به سرکوب رهبران حزب توده، ایران ابراز دارد. ما همچنین خواهیم کوشید، تا هر چه بیشتر مردم شهر خود را به اعتراض برانگیزیم. ما از سفارت (جمهوری اسلامی) ایران در سوئد و رهبران ایران می -



اتحاد شوروی، پیگیر در امر تحکیم امنیت

رفیق آندرویف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با گروهی از سناتورهای آمریکائی دیدار و گفتگو کرد. طی این دیدار رفیق آندرویف گفت اتحاد شوروی خواهان برقرار کردن آنچنان روابطی با ایالات متحده آمریکا است که مناسبات عادی و خوب و پایدار میان دو کشور تأمین کند، که پسود صلح عمومی خواهد بود. اما این مناسبات اکنون نه بگناه اتحاد شوروی، در تمام زمینهها وخیم شده است. اگر کسانی نزد خود حساب می کنند که در شرایط یک بازی بدون قاعده میتوانند برتری خود را نسبت اتحاد شوروی تأمین نمایند دچار اشتباه خطرناکی هستند.

پس از تأکید بر اینکه خیلی چیزها وابسته به این است که آیا در مذاکرات زنوراه حل مورد توافق طرفین یافته خواهد شد یا نه رفیق آندرویف افزود که استقرار موشک های آمریکائی پرشینگ و موشک های بالدار در اروپا، پیامد های پایداری خواهد داشت که بطور اجتناب ناپذیر خود ایالات متحده آمریکا را هم در بر خواهد گرفت.

یوری آندرویف گفت: " اتحاد شوروی بر این عقیده است که باید در مورد ممنوعیت هرگونه تدارک استقرار جنگ افزار در فضای کیهانی که بسوی زمین یا هدف های هوائی و کیهانی متوجه باشد به توافق برسیم." ضمناً دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تصمیم بسیار مهمی را

از جانب رهبری اتحاد شوروی اعلام کرد: " اتحاد شوروی متعهد میشود که در مورد استقرار هرگونه جنگ افزار ضد ماهواره های فضای کیهانی پیشدستی نکند. یعنی اعلام مراتبیم یکجانبه در مورد استقرار آنها مینماید، تا هنگامیکه دولتهای دیگر و از جمله ایالات متحده آمریکا از استقرار هرگونه جنگ افزار ضد ماهواره ای امتناع نکنند."

"یگانگی میهن پرستان پینوشه را سنگون خواهد کرد."

لوتیس کورولان دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی، طی مقاله ای در روزنامه اسپانیائی " ال پائیس " مینویسد: " زوال حکومت فاشیستی در شیلی اجتناب ناپذیر است، اما زمان آن رسیده به گفتگوهای خواهد بود، که باید میان همه نیروهای میهن پرست و مخالف رژیم صورت پذیرد. تسرور بیرحمانه مردم توسط نظامیان رژیم فاشیستی در چهارمین روز اعتراض ملی نشان داد، که بدون برکنار کردن پینوشه در شیلی نمی تواند صحبتی از دموکراسی بمیان آید.

وحدت عملی، که طی روزهای اعتراضی در میان نیروهای میهن پرست بوجود آمده، بحقیقه رفیق کورولان، میتواند پایه ای برای تشکیل دولتی باشد، که اعاده دموکراسی در کشور را بحده بگیرد.

در میان نیروهای مخالف رژیم کسانسی هستند، که میکوشند دولتی بدون کمونیست ها تشکیل دهند. لوتیس کورولان گفت که کمونیست های شیلی میدانند که ترکیب دولت آینده نمیتواند جوابگوی تصورات آید و آل آنها باشد. ولی هنگامیکه کمونیست ها وضع سیاسی کشور و مجموعه مسائل موجود پس از سقوط دیکتاتوری فاشیستی را در نظر می گیرند، فکر می کنند، که شرکت تمام نیروهای مخالف رژیم بدون استثنا، برای بازسازی کشور ضروری است.

فشار بر دولت لبنان افزایش می یابد

بقیه از صفحه ۷

وسایل تبلیغاتی خود را بکار گرفته است، تا آگاهان تلقین کند، که امتناع سوریه از رسمیت شناختن این قرارداد مانع از خروج سربازان اسرائیلی از لبنان شده است.

دیگر برای کمتر کسی تردید وجود دارد، که هدف اصلی صهیونیست های اسرائیل، همدست های امپریالیسم آمریکا در خاور نزدیک اینست، که جنوب لبنان را به اشغال دائمی خود در آورند و مانند دیگر سرزمین های عربی بتدریج آنجا را ضمیمه اسرائیل نمایند. این نقشه خطرناک اسرائیلی - آمریکائی تنها با وحدت کشورهای عربی و مبارزه همه جانبه مسلحانه و سیاسی میتواند خنثی شود. فعلاً بار سنگین این مبارزه بدوش خلق های سوریه و لبنان و فلسطین است. کشورهای مستقل و ضد امپریالیست عرب نظیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن، لیبی و الجزایر، خود گرفتار انواع توطئه های امپریالیسم در صحرا و چاد و مصر و عمان و سودان و سومالی هستند. رهبران بقیه کشورهای عربی نظیر مراکش، عربستان سعودی، مصر، اردن، سودان و غیره نه تنها در مبارزه علیه نقشه های امپریالیسم در منطقه شرکتی ندارند، بلکه خود بمشابه دستیاران کشورهای امپریالیستی عمل می کنند. باین جهت، باید گفت، که آئینده مبارزه در لبنان و اطراف آن هنوز نا معلوم است.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در وین هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

همبستگی با آزادی خواهان ترکیه

در کشورهای اروپائی صورت گرفته است. در تمامی این فعالیت ها خواست های زیر مطرح گردیده است:

- ۱- پایان بخشیدن به شکنجه و فشار در زندان ها،
- ۲- کمک پزشکی به بیماران و بهبود وضعیت بهداشتی و درمانی زندانها،
- ۳- دادن اجازه ملاقات به خانواده های زندانیان و وکلای مدافع آنان،
- ۴- انتقال زندانیان سیاسی از سلول های انفرادی به بند های عمومی،
- ۵- رفع ممنوعیت خواندن و نوشتن در زندانها " راه توده " همبستگی خود را با تمام زندانیان سیاسی انقلابی ترکیه اعلام می کند و از خوانندگان خود می طلبد، که به سهم خویش با نوشتن نامه های اعتراضی و ابتکارات دیگر، در این جنبش همبستگی شرکت کنند!

اخیراً د و هزار و پانصد زندانی سیاسی در ترکیه، در زندانهای مختلف این کشور، جهت اعتراض به وضع اسفبار و جو خشونت آمیز حاکم در زندانها، دست به اعتصاب غذا زدند. دولت ترکیه، با توسل به قطع کمک های پزشکی و دیگر شیوه های تزیینی، سعی در شکستن اعتصاب کرد.

اعمال و رفتار خشونت بار زندانبانان، جان زندانیان اعتصابی، از جمله یالچین کوچسوک نویسنده معروف ترکیه، و صدر سندیکای دیسک را جدا تهدید میکند. این خطر وجود دارد، که خونتای ترکیه بر ای پایان بخشیدن به این اعتصاب و خاموش نمودن صدای حق طلبانه اعتصابیون، از دست یازیدن به هیچ جنایتی روی ببرداند. جهت همبستگی با زندانیان اعتصابی، به ابتکار آزادی خواهان ترکیه فعالیت های مختلفی

RAHE TUDEH

No. 56

Friday, 26. August 83

Address: Winfried Schwarz Markgrafenstr. 13 6000 Frankfurt 90

Price: England 30 P. West-Germany 1 DM Belgium 22 Fr. Italy 600 L. France 3 Fr. U.S.A. 40 Cts. Austria 8 Sch. Sweden 3 Skr.

